





بسم الله الرحمن الرحیم

سواد عهدنامجات منعقده با دولت علیه عثمانیه

عهدنامه که در سنه ۱۱۶۰ فیمابین پادشاه بهشت جایگاه و محمود خان اول سلطان عثمانی انعقاد پذیرفت

الحمد لله الذی انام عیون الفتن بایقاظ قلوب السلاطین واجری
عیون الامن بین الانام باظهار المودة بین الخواقین و

والسلاطین واصلح مصالحهم ما فسد من امور المسلمین واذهب
غیظ قلوبهم ویشف صدور قوم مؤمنین ونزع ما فی صدورهم من غل
وحقود وامرهم بایفاء العهود کما ورد فی کتاب المجید یا ایها الذین
آمنوا اوفوا بالعقود وصلی الله علی رسوله محمد صاحب المقام المحمود و
علی آله واصحابه ولاسیما خلفاء الراشدین الذین بذلوا فی اصلاح
الدین غایة المجهود اما بعد چون در شورای کبرای صحرای مغان
که اهالی ایران از نواب همایون ما مستدعی قبول سلطنت شدند
بنا برانکه از بدو خروج شاه اسمعیل صفوی سب و رفض در
ایران شیوع و معادات و مبغضت میانه روم و ایران ظهور
و وقوع داشت نظر بمذهب حنیف اهل سنت و جماعت
که مختار آباء کرام و اسلاف عظام ما بوده از سلطنت
ایشان تحاشی و بعد از آنکه الحاح مکرر از آن گروه

ناشی شد امر فرمودیم که هرگاه آن طایفه باللسان
والجنان تارک اقوال لاطایل و تخفیف خلافت خلفاء
کبار رضوان الله علیهم قائل شوند بحصول مسئول نایل
خواهند شد آنها نیز حکم اقدس را قبول و از حالات
سابقه نکول کردند چون اعلیحضرت قدر قدرت اعظم
سلاطین جهان و افخم خواقین دوران خدیو سلیمان حشم خورشید
علم ناصر الاسلام والمسلمین قامع الکفار والمشرکین خاقان
البرین و سلطان البحرین ثانی اسکندر ذو القرنین خادم الحرمین
الشریفین را در جهان داور گردون بارگاه پادشاه اسلام پناه
خلد الله السلطان الغازی سلطان محمود خان مد الله تعالی
ظلال خلافته علی رؤس العالمین خلیفه اهل اسلام و فروغ
مشعل دودمان ترکمانیه بودند برای مزید الفت فیمابین الجانبین

و رفع غوائل شورشین از میانهٔ فریقین نواب همایون ما مطالب
خمسه را که در وثائق سابقه مسطور است از پادشاه سکندر دستگاه
مأمول و بعد از تکرار آمد و شد سفرا آنحضرت سه ماده را
ملتقی بقبول و دو ماده را بمعاذیر شرعیه و حجج ملکیه موکول
ساخته بموجب نتایج نوافع ختام خواهشمند فسخ این مرام گردیدند
اگرچه ذات همایون ما نیز بمحبت غنچه گشایی از ما اظهار انبساط
گشته برای رفع نواقص و دفع نواخص و اراحهٔ عباد و ازاحهٔ آثار عناد
منظوری نداشتیم لیکن بنا بر خواهش آن پادشاه سلیمان
مقام و حفظ ناموس اسلام تکالیف معهوده را متروک و
طریق مسالمت مسلوک داشته این نوید آرام بخش را
بتجدید فلک رخش اعلام نمودیم اما چون بعضی از ممالک عراق و
آذربایجان در ازمنهٔ سابقهٔ بسلاطین ترکمان تعلق داشت

که بسبب اختلاف اکثری شاه اسمعیل بدولت علیهٔ عثمانیه
انتقال یافته ضمناً اظهار شده هرگاه بر طبع اقدس پادشاه اسلام پناه
شاق و مخالف رسم وفاق نباشد یکی از آن دو مملکت برسم
عطیه از آنحضرت بجزء ممالک محروسه اینطرف انضمام یابد آنحضرت
را در راه برادری در رد و قبول آن مختار ساخته و در نامهٔ
همایون که از آن دولت والا مصحوب افتخار الاماجد نصف افندی
عز وصول بخشید اندراج یافته بود اگرچه بنظر مساعی مشکوره
و مساعی مبروره در ازدیاد دوستی در احیاء و آثار بدیع بظهور
پیوسته دولتین علیتین را متحد میدانیم بنا بر بعضی جهات
خاطر اقدس متعلق بر آنست در نحویکه مواد سابقه منفسخ شده
از آنمطلب نیز برای مزید الفت و التیام اغماض و اغضاء
و مصالحهٔ ایام خدیو خلد مرابع سلطان مراد خان رابع

ممدود و ممضی شود تا دوستی در میانهٔ دولت عظمی و اخلاف
کرام و اعقاب عظام نسلاً بعد نسل در عرصهٔ روزگار باقی
و پایدار بماند از آنجا که اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه و علم
انگیزه دوستی ممدود و حبل محبت را بعقود مراتب مشدود
فرموده اند نیز مراعات سنن دوستی را بر ذمّهٔ خود واجب و
رضاجوئی خاطر آنحضرت و آرامش بلاد را اتم مطالب اعظم
مآرب شمرده بعد از وصول نامهٔ مشکین ختامه مأمول ثانی
آنخدیو اسلام را نیز بحسن ارتضا مقرون و متعهدی برای
بنای امر مصالحه مأمور ساختیم فیمابین معتمدان دولتین امر صلح
بر یک اساس و شرط و سه ماده و تذییل بر این نهج قرار یافته
التزام پذیرفت

اساس ... صلحی در زمان خاقان خلد مرابع سلطان

مراد خان رابع واقع شده فیمابین دولتین مرعی و حدود
و ثغوری که در میانه مقرر بود بهمان دستور استقرار داشته
تغییر و خللی در ارکان آن راه نیابد
شرط ... من بعد فتنه نائم و تیغ در نیام بغض و کینه آن لائق
شان طرفین و مقرون بصلاح دولتین باشد معمول و از
اموریکه مهیج هیج کدورت و منافی مصالحه صالحه و مسالمه
سالمه باشد از طرفین اجتناب شده انشاءالله تعالی
این دوستی و محبت در میانه دو دولت عظمی و اتحاد دو دین و خانواده
کبری مادام اللیالی و الایام الی یوم القیام قائم و برقرار بوده
مادهٔ اولی حجاج ایران و توران که از راه بغداد یا
شام عازم بیت الحرام باشند ولات و حکام سر راه ایشان را
متحمل سالمین و آمنین بیکدیگر رسانیده صیانت

جان و مال و مراعات احوال ایشان را لازم دانند
مادهٔ ثانیه ... از برای تأکید مودت و توثیق محبت در
سال شخصی از آن دولت در ایران و از ایران در آن دولت
بوده اخراجات ایشان از طرفین داده شود
مادهٔ ثالثه ... اسراء طرفین مرخص بوده بیع و شری بر
ایشان روا نبوده هر یک بخواهند بوطن خود روند
ممانعت ایشان نشود
تذییل حکام سرحدات از حرکاتیکه منافی دوستی است
احتراز نمایند و سوای آن اهالی ایران احوال ناشایست را
که در زمان صفویه احداث شده تارک و در اصول عقاید
بمذهب اهل سنت سالک بوده خلفاء راشدین را بخیر و
تراضی یاد نمایند و الجماعت فی بعد بمکهٔ معظمه و مدینهٔ مشرفه و باقی

ممالک اسلام آمد و شد کنند از طرف روم بدستور حجاج
آنمملکت و اهالی سایر بلاد اسلامیه با ایشان سلوک شده از
ایشان بهر رسم و بهر وجه خلاف شرع و حساب گرفته
نشود و همچنین در عتبات عالیات هم مادام که مال التجاره
در دست آنجماعت نباشد حکام و مباشرین بغداد باج نخواهند
و هر یک که مال تجارت داشته باشد مال حسابی از آنها اخذ شود
زیاده مطالبه نشود و از این طرف با تجار و اهالی روم همین سلوک
٢ عمل و آنچه بعد الیوم از اهل ایران بروم و از روم بایران
آید حمایت نشده بوکلای دولتین تسلیم شود لهذا
ما نیز مراتب مسطوره را ممضی داشته عهد فرمودیم که مصالحه
مذکوره و عهود مشروطه همیشه بین الدولتین و اعقاب و اخلاف
حضرتین مؤبد و برقرار و مخلد و پایدار بوده مادام که از جانب

آن دولت عظمی امری مخالف عهد و میثاق بظهور نرسد از این طرف
نقض و خللی در قواعد آن راه نیابد فمن نکث فانما ینکث علی
نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجراً عظیماً و حرر
ذلک فی شهر محرم الحرام سنهٔ الف و مائه و ستین فی الهجره ٢
النبویه

عهدنامه که در سنه ۱۲۳۸ فیمابین خاقان خلد آشیان و سلطان محمود خان ثانی انعقاد یافت

بسم الله الرحمن الرحیم ٨

عرض از تحریر این کتاب مستطاب اینکه درین چند سال بسبب حدوث
بعضی عوارض در میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح
و صفوت و ضوابط رتق و الفت قدیمه مبدل بنقار و کدورت

ومودّتی بحرب وکدورت گشته بود بمقتضای جهت جامعه
اسلامیّه وعدم رضای طرفین بسفک دماء ووقوع
اینگونه حوادث وغوغا اعاده سلم ومودّت وتجدید دوستی
ومحبّت ازجانب دولتین فخامتین اظهار رغبت وموافقت
شده بموجب فرمان اعلیحضرت قدرقدرت کیوان حشمت ملک بخش
ملک گیر آرایش تاج وسریر خدیو زمین وزمان جمال الاسلام
والمسلمین جلال الدنیا والدین غیاث الحق والیقین قهرمان ٨
الماء والطین ظلّ الله ممدود فی الارضین حافظ حوزه
ملّی نیابت بسط جهانبانی داور جمشید جاه سلیمان
دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت بخش تخت کیان
ملک ملوک جهان تاج بخش کامران شاهنشاه ممالک ایران
الخاقان ابن الخاقان الغازی فتحعلی شاه خلدالله ملکه واقباله وحکم نامه نوشت

غرّه غرّای دولت وشهریاری ودرّه علیای شوکت وجهانداری
مالک الرقاب کیوان همّت برجیس فطنت ملک افزا
ملکستا رکن رکین جلال غصن رطیب اقبال پادشاهزاده
آزاده ولیعهد دولت علیّه ایران عبّاس میرزا اعزّ نصره این عبد
مملوک وچاکر جان نثار بوکالت نامه شاهی مخصوص گشته واز
جانب دولت علیّه عثمانیّه نیز بامر وفرمان اعلیحضرت
کیوان منزلت شمس فلک شهریاری بدر افق تاجداری پادشاه اسلام
پناه سلطان البرّین وخاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین
٨ ذوالشوکة والشهامة السلطان بن السلطان الغازی سلطان
محمود خان ابدالله ملکه واقباله وبوکالت نامه بجناب
عزّت نصاب ایالت نصاب جلالت اکتساب متمّم الامور الجمهور بالفکر
الثاقب ممهّد القواعد الامور بالرأی الصائب صدر اسبق اکرم والی

ولایت ارزنة الروم و سرعسکر جانب شرق محمد امین رؤف
پاشا دام مجده عطا و عنایت شده بود این عبد مملوک در مدینه
مزبور با جناب سرعسکر مشار الیه بعد از مبادله وکالت نامهای
مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه با این آیین ترتیب
و تعیین یافت

اساس تاریخ هزار و یکصد و پنجاه و نه هجری بموجب مصالحه
و عهدنامه که در آن واقع گشته حدود و ثغور قدیمه و شرایط سابقه
در امر حجاج و تجار و رد فراری و تخلیه سلیمان آقا و اقامت
شخص معین در دولتین علیتین باشد تماماً و کاملاً بین الدولتین
مرعی و معتبر بوده ارکان آن وجها من الوجوه خلل عارض نشده
در مابین دولتین علیتین شرایط دوستی و مقتضای الفت
و محبت ابداً در کار باشد

شرایط ... فیما بعد صمصام آشوب و خصام در نیام بوده
در میان دولتین علیتین معامله‌ای که مؤدی بکدورت و برودت
و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد و آنچه داخل حدود
قدیمه دولت علیه عثمانیه باشد در اثنای حرب و مقدم
بر آن بدست دولت فخیمه ایران آمده از جمله قلاع و اراضی
و قرا و قصبه و قراء بهیئت حالیه از تحریر مصالحه خیریه از تاریخ این تمسک
تا با انقضای مدت شصت روز بطرف دولت عثمانیه تماماً تسلیم کرده و بمراعات
مدت این مصالحه خیریه گرفتاران طرفین را اطلاق کنیم و انحا تخلیه
سبیل کرده آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها شود از مأکولات
و غیره عطا شود و بسرحدات طرفین ایصال شوند

مادهٔ اوّل دولتین علیتین را در امور داخله یکدیگر
مداخله جایز نیست فیما بعد از جانب بغداد و کردستان مداخله

جایز ندانسته در جملهٔ محال از توجهات سنجاق کردستان
داخل حدود میباشد سلباً فی الاسباب و جهاً فی الوجوه از طرف
دولت علیهٔ ایران مداخله و تعرض و تجاوز در متصرفات سابق
و لاحق نصاحب نشود و در حوالی مذکوره اگر از اهالی طرفین
ییلاق و قشلاق عبور نمایند در باب رسومات عادیهٔ ییلاقیه
و قشلاقیه و سایر دعاوی که وقوع یابد مابین وکلای نواب
ولیعهد دولت ایران و وزیر بغداد مخابره شده رفع نماید ٨
که باعث کدورت بین الدولتین نباشد

مادهٔ دویم باب سکه از اهالی ایران بکعبهٔ مکرمه و مدینهٔ
منوره و سایر بلاد اسلامیه آمد و شد مینمایند مثل حجاج
و زوار و ترددین اهالی بلاد اسلامیه رومیه معامله نمایند
و از ایشان باسم دوره و سایر وجوهات خلاف قانون

شرعیه اصلاً چیزی مطالبه نشود و کذالک از زوار عتبات
عالیات مادامیکه مال تجارت نداشته باشند از ایشان چیزی
مطالبه باج و غیره نشود و اگر مال تجارت داشته باشند موافق
حساب گمرک مطالبه شود زیاده طلب ننمایند و در طرف دولت ایران
نیز با تجار طرف دولت عثمانی و اهالی ایشان برین وجه معامله نمایند و مقتضای
شرایط سابقه فیما بعد در حق حجاج و تجار و اهالی ایران و تعیین و اجرای
شرایط قدیمه از جانب وزرای عظام امیر حاج و سر
میران کرام و سایر ضابطان و حکام دولت عثمانی کمال دقت ٨
و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین و از آنجا
الی شام شریف از جانب امین صره همایون به نظارت حال
ایشان [illegible] شرایط ملحوظه واقع نگردد و در حمایت
ایشان [illegible] نمایند و اگر درمیان ایشان نزاع روی دهد امین صره

همایون بمعرفت معتمدی در میان آنها جهت نظارت ایشان
نمایند و از مخدرات حرم شاهنشاهی و حرمهای شاهزاده های عظام
و سایر اکابر دولت ایران در مکهٔ معظمه و عتبات عالیات میروند
فراخور رتبهٔ ایشان حرمت و اعزاز نمایند و کذلک در خصوص رسومات
گمرک تجار و اهالی ایران مانند تجار تبعهٔ دولت علیه عثمانی معامله
شود و از مال تجارت ایشان یکدفعه بقرار یکصد قروش
چهار قروش گمرک گرفته شود و بدست ایشان تذکره داده شود که
از دست ایشان بدست دیگری منتقل نشده است مگر از ایشان
گمرک بگیرند و تجار ایران مال التجارهٔ چپق شرار را که به
دار الخلافه و سایر بلاد روم میآورند در منع و اجرای آن
انحصار نشود بهر کس خواهند بیع نمایند و از تجار تبعه و اهالی
دولتین علیتین در ممالک جانبین آمد و شد مینمایند بمقتضای

جهت جامعهٔ اسلامیه معامله دوستانه شود و از ایذاء و اضرار محفوظ باشند
مادهٔ سیم از عشیرهٔ حیدرانلو و سپیکی در مابین
دولتین علیتین متنازع فیها بحث و امروز در خاک دولت علیه عثمانی
ساکن میباشند مادامیکه در سمت آنها است اگر بحدود
ممالک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحدداران
در منع و تنبیه ایشان دقت نمایند که از تجاوز و خسارت دست بردارند
و از جانب مأمورین سرحدات منع ایشان شود از تصاحب ایشان
دولت علیه عثمانی کف ید نماید و اگر ایشان برضا و رغبت
خود بجانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشان را منع و
تصاحب نکند و بعد از آنکه بطرف دولت بهیه ایران
بگذرند بعد اگر بخاک عثمانی بیایند قطعاً تصاحب و قبول ایشان
نشود در صورتیکه ایشان بطرف ایران بگذرند آنوقت

از حدود دولت عثمانی تجاوز کرده خسارت بزنند سرحد
نشینان دولت بهیّهٔ ایران در منع و تجاوز ایشان دقّت نمایند

مادّهٔ چهارم بموجب شرط قدیم فراری
دولتین از جانبین تصاحب نشود و کذلک از جملهٔ عشایر و
ایلات هر کس بعد ازین تاریخ از دولت علیّهٔ عثمانی بدولت
بهیّهٔ ایران و از دولت فخیمهٔ ایران بدولت علیّهٔ عثمانی
بگذرد باید همان گذشتگان تصاحب نشود

مادّهٔ پنجم آنچه در دار السلطنه و سایر ممالک
دولت علیّهٔ عثمانی اموال تجارت ایران بموقف شرع و دفتر
محفوظ و نگاه داشته شده است از تاریخ این تمسّک بمدت شصت
روز هر چه باشد بموجب دفاتر مرقومه و بمعرفت شرع
بمعتمد دولت علیّهٔ ایران بصاحبان آنها تسلیم شود و سوای

اموال محفوظه آنچه در اثنای وقوع عداوت از حجّاج و تجّار و زوّار
و سایر اهالی ایران در ممالک عثمانی از جانب بعضی وزرا و
ضابطان قهراً و جبراً گرفته باشند بعد از افاده و اظهار
دولت ایران از دولت بهیّهٔ عثمانی فرمان بر طبق این تعهد و دیگر اینها
صادر و در هر محل بعد از اثبات شرعی گرفته و تسلیم شود

مادّهٔ ششم در ممالک دولت عثمانی کسی که از اهالی
ایران فوت می‌شوند اگر وارث و وصیّ شرعی بدست آنها نباشد مأمورین
بیت المال ترکهٔ همان متوفی را بمعرفت شرع دفتر کرده به ثبت
دستخط شرعی رسانیده و آن اموال را بعینه در محلّ مأمن تا مدّت
یک سال حفظ نمایند تا وارث و وکیل و وصیّ شرعی او آمده
بموجب ثبت دستخط شرعیّه اشیاء متروکه تسلیم نمایند و
رسم عادیه و کرایهٔ محلّ آن اشیاء را گرفته باشند و آن اشیاء اگر در

مدّت مذبوره حریق و تلف شود ادعای آن نشود و اگر در مدّت
مزبوره وارث و وصی رسند ترکهٔ محفوظه را مأمورین بیت المال
باطلاع معتمد دولت ایران فروخته ثمن محفوظ نمایند

ماده هفتم بموجب شرایط سابقه برای تأیید دوستی
و مودت در هر سه ساله یکنفر از طرف دولتین علیتین مقیم و متوقف
در دربار یکدیگر باشند و از تبعهٔ دولتین علیتین در اثنای حرب
در طرفین گذشته اند در حق ایشان بنا بر جهت المصالحة الخیریه
سرایت این اسارت نشود

خاتمه یعنی ماده هشتم آنچه از اساس و شروط
و مواد در فوق مذکور شد بر منوال محرره بالمذاکره قرار
داده شده از طرفین قبول گشته ادعای ازاله تهور و تضمین
مصارف جزئیه از جانبین بعد ما نقض کرده صرف نظر فرمایند

و از جانب دولتین علیتین بر وفق عادت تصدیقنامه ها بواسطه
سفرا و ایلچیان از تاریخ این تمسّک الی مدت شصت روز
در اثنای حدود دولتین یکدیگر را ملاقات کرده آبتانهٔ طرفین
ایصال و تسلیم شود و با نوع عقد و تجدید المصالحة الخیریه
بمسالمت حقیقیه از تاریخ این تمسّک معتبره مرعی و معتبر گشته
و از جهت تأییده که در ثبت و خصوصیت منطوق بوده منافی رتبی
و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع
و حرکتی و مغایله جایز ندارند و از جانب جناب وکیل مشارالیه
نظر برخصت کامله از جانب دولت عثمانی از این تاریخ ۱۲۳۵
۱۹ شهر شریف ذیقعده الحرام یوم یکشنبه این تمسّک ممهور
شده و از اینجانب نیز عبد ملوک دولت علیّه ایران برخصت
کامله خود اساس و شروط و مواد مذکوره بوجه مشروحه قبول

نمود این تمسک تحریر وبجانب وکلاء رالیه مبادله وتسلیم شد
بالخیر والسعاده والیمن والبرکه والحمد لله اولاً وآخراً
وظاهراً وباطناً

١٥١

قرارنامهٔ فارسی که در سنهٔ ۱۲۶۳ در ارزنة الروم استقرار یافت

غرض از ترقیم وگذارش این کلمات خجسته دلالت آنکه از مدتی
باینطرف چون فیمابین سلطنت جاوید آیت سنیهٔ دولت
ایران مدت علیهٔ ابدی الدوام با دولت علیهٔ عثمانی بعض عوارض
ومشکلات حدوث ووقوع یافته بود بنابر مقتضای التیام
اساس دوستی والفت وضوابط سلم وصفوت وجهت جامعهٔ
اسلامیه درمیان دولتین علیتین درکار وافکار سلیمه که

طرفین علیتین بدان منعطف میباشند بالسویه آنگونه مواد آتیه را
بروحی موافق ومناسب فخامت شأن دولتین علیتین بتجدید
وتأکید بنیان صلح ومسالمت وتشیید ارکان موالات
ومودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت وموافقت
شده را تنظیم ومذاکره ومعارضه وتحریر وتسطیر اسناد
مقتضیه حسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت کیوان
حشمت مملکت مدار ملک گیر آرایش تاج وسریر جمال الاسلام
والمسلمین جلال الدنیا والدین غیاث الحق والیقین قهرمان
الماء والطین ظل الله الممدود فی الارضین حافظ حوزهٔ [illegible]
داور جمشید جاه داراب دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت
بخش تخت کیان افتخار ملوک جهان خدیو دریا دل کامران
شاهنشاه ممالک ایران السلطان بن السلطان بن السلطان

والخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه ادام الله تعالی ایام سلطنته فی فلک الاجلال وزین فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال بنده درگاه آسمان جاه محمد تقی خان وزیر عساکر منصوره نظام وغیر نظام که حامل نشان مبارک شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی و حمایل اخضار خاص برات وکالت مباهی و مخصوص گشته و نیز از طرف علیحضرت کیوان منزلت شمس فلک تاجداری بدر افق شهریاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکة والشهامة السلطان بن السلطان بن السلطان سلطان عبد المجید خان جناب مجدت مآب عزت نصاب انوری زاده السید محمد انوری سعد الله افندی که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صنف اول از رتبه اولی و حامل نشان

مخصوص آن رتبه مرصع تعیین شده بر وجه اصول عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامهای مبارکه انعقاد معاهده مبارکه که درضمن نه فقره آتیه قرار داده شده در ذیل کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقده ارزنة الروم مبادله میشود

فقره اول دولتین اسلام قرار میدهند در مطالبات نقدیه طرفین را که کمال از یکدیگر ادعا میکردند کلاً ترک کنند ولیکن با این قرار معادلات تسویه مطالبات مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خلل نیابند

فقره دویم دولت ایران تعهد میکند در جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آنرا بدولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانیه نیز تعهد میکند که جانب

شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جلگه آنرا مع دره
کرند بدولت ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد
میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر
کرده بحق تملک دولت عثمانیه در ولایت مذکوره دارد
وقتاً من الاوقات بطور دخل و تعرض ننماید و دولت عثمانیه
نیز قویاً تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیرة الخضر و لنگرگاه
و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را
که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایرانست بملکیت
در تصرف دولت ایران باشد و علاوه برین حق خواهند
داشت کشتیهای ایران بآزادی تمام از محلی در نهر منصب بحر تا موضع
الحاق حدود طرفین در نهر مذکور آمد و رفت نمایند
فقره سیم طرفین متعاهدتین تعهد میکنند که باین

معاهده حاضره سایر ادعاهای خودشانرا در حق اراضی ترک کرده از دو
جانب بلاتاخیر مهندسین و مأمورین را تعیین نموده برای
اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند
فقره چهارم طرفین قرار داده اند که خسارات
بعد از قبول اخطارات دوستانه دولتین بزرگ واسطه
در دویم جمادی الاول سنه ۱۲۶۱ ابلاغ و تحریر شد بطرفین واقع
شده و هم رسومات مراعی را از سالهای که تاخیر افتاده برای
اینکه میان آنها از روی عدالت فصل و اتفاق نمایند از دو جانب
بلاتاخیر مأمورین را تعیین نمایند
فقره پنجم دولت عثمانی وعده میکند که شاه
زادگان فراری ایران را در بروسا اقامت داده غیبت آنها
را از محل مذکور و مراوده خفیه آنهارا با ایران رخصت ندهد

طرف دولتین علیتین تعهد میشود در سایر فراری بموجب معاهده
سابقه ارزنة الروم عموماً رد شوند

فقره ششم تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت
خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً
بنهجی که در عهدنامه منعقده ارزنة الروم در سنه ۱۲۳۸ در ماده
تجارت مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در
عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانی وعده میکند بموجب
عهدنامهای سابقه امتیازاتیکه لازم باشد در حق زوار ایرانی
اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال
امنیت محلهای مبارکه را که در ممالک دولت عثمانیه است
زیارت کنند و همچنین تعهد میکند در براد استحکام و تأکید

روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیمابین دو دولت
اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسبترین وسایل را
استحصال نماید تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت
عثمانیه بجمیع امتیازات نایل میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از
امتیازات مذکوره بهرهور بوده خواه در تجارت خواه
در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بیحرمتی محفوظ باشند
و علاوه برین بالیوزهائیکه از طرف دولت ایران برای
منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه بجمیع محلهای
ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از
مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول نماید و وعده
میکند در کافه امتیازاتیکه شایسته منصب و مأموریت
بالیوزهای مذکوره باشد و در حق قونسولهای سایر دول متحابه

جاری شود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهد
میکند در باب مأمورینیکه از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای
ممالک ایرانیه هر لازم باید نصب و تعیین شود و در حق آنها
و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که بممالک ایران آمد و شد
میکنند معاملهٔ متقابله را کاملاً اجرا دارد

فقرهٔ هشتم دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند
که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایل
که در سرحد میباشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجرا کنند و بهمین خصوص
در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین
تعهد میکنند که از عهدهٔ هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب
و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع یابد بر آیند و قرار
داده اند عشایریکه متنازع فیها میباشند و صاحب آنها معلوم نیست

بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت
خواهند کرد یکدفعه بارادهٔ واقعهٔ خودشان حواله شود
و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است جبراً باراضی دولت
متبوعهٔ آنها داخل شوند

فقرهٔ نهم جمیع مواد و فصول معاهدات
سابقه خصوصاً معاهده که در سنه ۱۲۳۸ در ارزنة الروم منعقد
شده که بخصوصه باین معاهدهٔ حاضره الغا و تغییر نشده
مثل اینکه کلمه بکلمه درین صحیفه مندرج شده باشد تماماً احکام
و قوت آن ابقا شده است و فیمابین دولتین علیتین قرار داده
شده است که بعد از مبادلهٔ این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدت از جانب
دولتین قبول و امضا شده تصدیقنامهای آن مبادله خواهد شد
وکان ذلک التحریر فی یوم السادس عشر من شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۶۳

ترجمهٔ قرارنامهٔ تنباکو و توتون و نمک که در سنهٔ ۱۲۹۲ فیمابین سفارت سنیهٔ ایران و وزارت خارجهٔ عثمانی منعقد گردید

فقرهٔ اول داخل کردن نمک و توتون از محصولات
ایران بممالک عثمانی در هر صورتی بوده باشد ممنوع است
و این ممنوعیت تا وقتی امتداد خواهد یافت در صورتی که تحصیل محصولات
یک از دول خارجه ممنوع شمرده شود و تعدیل نشده است دولت علیه
ایران هم حق و صلاحیت دارد در دخول نمک و توتون
ممالک عثمانی را بخاک خود ممانعت نماید

فقرهٔ دویم از قیمت خالص تنباکوی ایران هر تنباکو که
داخل ممالک عثمانی شود در صدی هفتاد و پنج وجه گمرک

گرفته خواهد شد و همین در یکدفعه اینوجه گرفته شد دیگر هیچ یک از
ممالک عثمانیه وجه مزبور و هیچگونه رسمی دیگر مجدداً از آن گرفته
نخواهد شد اگرچه مدتی هم گذشته باشد

فقرهٔ سیم اینوجه صد هفتاد و پنج تنباکو مطابق
تعرفه و قرارنامه‌ئی در باب آن با اتفاق طرفین منعقد خواهد شد گرفته میشود
و از ابتدای ماه نیسان هذه السنه ۱۲۹۱ رومی الی سه ماه وجه
گمرک اجناس تنباکوئیکه در ظرف مدت مزبوره بگمرک
خانه‌های ارضروم و بغداد و بصره وارد و دریافت شده است
بمقدار کمیت اجناس تنباکوئیکه در ظرف مدت مزبوره
بهر یک محال مذکوره وارد گردیده است حساب شده حد وسط
حاصل آن اساس تعرفهٔ اول قرار داده خواهد شد و هر جنس
تنباکوئیکه در ظرف مدت مزبوره وارد شده باشد قیمت آنرا

برای نازلترین قیمتهائیکه همان جنس تنباکو در عرض مدت
یکسال قبل از سه ماه مزبور داشته است منظور و معامله خواهد شد
و از تاریخ انعقاد تعرفه مقرره حکمش تا ده سال بعد مجری
خواهد شد و در صورتیکه سه ماه پیش از انقضای وعده
مقرره یک از دولتین معاهدتین تبدیل و تغییر آنرا خواهش ننماید
تمدید خواهد شد چنانچه اینگونه تکلیفی نشود ده سال دیگر هم حکم آن
مجری شده بعد از انقضای هر ده سال مادامیکه سه ماه مقدم
یکی از طرفین تغییر آنرا تکلیف ننماید قاعده و قرار همین
خواهد بود و تا هفت سال دیگر حکمش باقی و معتبر بوده باشد
و در تنظیم تعرفه بر وفق اساس مزبور و تغییر قرار نقصانیکه
از قبل رطوبت و وزن کیسه کسر کردن آن مقداری است
بعد از انعقاد این قرارنامه مجلس کمیسیونی تشکیل خواهد شد

و اجزای این کمیسیون پیش از آنکه ابتدای وقت اجرای حکم
قرارنامه برسد با انجام ماموریت خودشان سعی و همت خواهند نمود

فقره چهارم وجه گمرک انفاد و بیع تنباکو
بقرار مزبور در اولین گمرکخانه ممالک عثمانیه گرفته خواهد شد
ولی محض سهولت کار تجار در حق کسانیکه خواسته باشند
گمرک تنباکو را در محل فروش آن بدهند بدینموجب معامله خواهد
شد تجار ایرانی تنباکوئیرا در سواحل و یا سرحدات
بیاورند بدوا باداره گمرک تسلیم کرده در آنجا وزن نموده
ظرفش را وضع میکنند بعد از فهمیده شدن وزن خالص آن
اگر آن تنباکو را در همانجا بفروش خواهد رسانید همان
ساعت در صد انفاد و بیع وجه گمرک آنرا داده تذکره اش را
خواهد گرفت و هرگاه خواسته باشد در آنجا بفروخته باقی

دیگر حمل و نقل نماید باداره گمرک رفته کفیل تاجر معتبری
کفیل داده سندی هم می‌سپارد در ظرف مدتی معین به مناسب
بعد مسافت محل نقل بوده باشد تنباکو را با کاغذ رسانیده از
اداره گمرک آنجا در ظهر تذکره نقلیه آن رسیدگی تنباکو را
نویسانده اعاده خواهد نمود والا صدی نود و پنج گمرک
آنرا تماما گاریار خواهد کرد بعد از دادن کفیل مزبور و
بردن همچو سندی بر وفق اصول یکطغرا قائمه و نیز تسلیم
و با انضمام تذکره نقلیه با و تسلیم با مرار تنباکو مساعدت شود
بدینواسطه صاحب تنباکو مجبور خواهد شد در وقت وصول
رسم گمرک آنرا فورا ادا نماید تذکره آنرا بگیرد اگر خواسته باشد
وجه گمرک آنرا تا وقت پیدا شدن مشتری حاضر نگهدارد تنباکو را
در یک حجره مخصوص خودش در و کلید داشته باشد یک در

نزد خود و دیگری در نزد اداره گمرک بوده باشد نگهدارد و همان
معامله در صورت خواهش تجار در حق آن تنباکو هم مرعی خواهد شد
در مورد اولی بفروش خواهد رسید از تنباکوهائیکه
بموجب تذکره از یک محل بمحل دیگر حمل و نقل شود از بابت
رطوبتی در اثنای راه عارض شود و سنگینی میگردد در
حصه از ده حصه وجه گمرک گرفته نخواهد شد

فقره پنجم ... تنباکوهائیکه از ممالک دولت علیه عثمانیه
بممالک خارجه بطور ترانزیت عبور داده شود مثل امتعه
تجارت سایره اصل قاعده ترانزیت در حق آنها رعایت خواهد شد

فقره ششم ... تنباکوئیکه از سمتهای دیگر ممالک
عثمانیه باقلام بغداد و عربستان و مصر عبور داده شود
رسم گمرک آن در حین وصول اولین گمرکخانهای مزبوره

و همچنین تنباکوئی هم از ممالک مزبوره به سایر ممالک عثمانیه عبور داده
شود رسم گمرک آن در حین وصول اولین گمرکخانه
هائیکه مستقیماً از طرف دولت عثمانی اداره میشود گرفته
خواهد شد و تنباکوئی هم که گمرک آن داده شده و تعرفه رسیده
باشد اگر در ظرف مدت ششماه با جاها برده شود در یکصد یک
از وجه گمرک آن تنزیل شده باقی بصاحب مال رد خواهد شد

فقرهٔ هفتم ... در خصوص توتون و تنباکو دیگر
امتیازات عهدنامهای سابقه در حق حجاج و زوار عتبات
عالیات کماکان باقیست و در خصوصات در حق تجار
سایر مسافرین ایرانیه همان معامله خواهد شد در باره مسافرین سایر دول متحابه

فقرهٔ هشتم ... اینقرارنامه از ابتدای مارت آتیه
۱۲۹۲ معمول و مجری خواهد شد اینفقره هم قرار شده که

در ظرف این مدت تعرفه هم در فقره سیم اشاره شده منعقد
شود تا انعقاد آن از قیمت متداوله نقدی تنباکو در اولین
مدت در یکصد ده تنزیل کرده از مابقی آن در یکصد مقدار پنج
وجه گمرک دریافت خواهد شد اینقرارنامه دو نسخه شده طرفین

امضا نموده و بیکدیگر
مبادله کردند فی ۱۲ شهر ذیقعده
الحرام ۱۲۹۲ هجری و ۸ کانون
اول ۱۲۹۱

وزیر امور خارجه دولت عثمانی — وزیر مختار دولت علیه مقیم اسلامبول

محمد رشید — محسن

اصلاحات مقاوله نامه ایست که بشرط
بقا و رعایت اجرای احکام عهدنامجات

منعقده و موجوده در میان دولتین
علیتین ایران و عثمانی کمافی السابق و
همچنین بشرط باقی داشتن احکام قرارنامهایکه
مصدق و مرعی الاجرا بوده است در میان
سفارت سنیه ایران و نظارت خارجهٔ
عثمانی در اسلامبول مؤخراً بتاریخ ۱۲ شهر
ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۹۱ ترتیب و قرارداد شد
اولاً تبعه دولت علیه ایران در ممالک عثمانیه متوقفند در تمام
مرافعات متعلقه بجنایت و جنحه و قباحت را با نظامات

و قوانین دولت عثمانی و بلاواسطه بضابطه و محاکم سلطنت دولت
مشارالیها تابع خواهند شد دعاوی و اختلافات متعلقه بتجارت
و حقوق عادیه که میان تبعهٔ ایران و عثمانی اتفاق بیفتد در
محکمهای دولت عثمانی رؤیت و فصل خواهد شد و در وقت
رسیدگی باینگونه دعاوی حاضر داشتن ترجمان از جانب
کارپرداز جایز خواهد بود و درخصوص اجرای احکام
اعلامهای متعلقه بتجارت و حقوق در محاکم علیه بضرر تبعه
ایران صادر میشود رجوع بتوسط سفارت سنیه و کارپرداز
خواهد شد و اگرچنانچه ملاحظه مدتی در جهت اجرای اعلامات
مذکوره لازم بیاید اجرا یا عدم اجرا از جانب سفارت
سنیه و کارپردازها معلوم و معین شود از جانب
مأمورین عثمانی بلاواسطه اجرا خواهد شد

ثانیاً اگرچه تبعهٔ ایران هر در ممالک عثمانی
اقامت دارند نخواهند مانند تبعهٔ عثمانی داخل صنف
اصناف بشوند و صنعت و پیشه پیش گیرند چون از تمام نظامات
و قوانین که در حق عموم اصناف مرعی الاجرا است بهره
مند خواهند بود لهذا مادامیکه اصناف و پیشه و صنعت
اجرا میکنند نظامات و اصول قوانین مذکوره تابع شده و بدین جهت
از ادای رسوم اصناف تبعهٔ عثمانی مکلف هستند ناچار
خواهند بود و در خصوصات معاملات متعلقه باصنافی
راساً بمحاکم و مأمورین عثمانی تابع خواهند شد
ثالثاً کارپردازها و وکیل کارپردازهای
دولت علیه ایران هر بودن آنها در ممالک عثمانی و صفت
مأموریت ایشان بموجب براة و اوامر دولتی تصدیق شده

باخواهند شد و ترجمانهای ایشان از امتیازات و مساعدات
و معافیتیکه قونسولها و وکلای قونسولهای سایر دول
متحابه و ترجمانهای آنها بهره مند هستند بهره مند خواهند بود
رابعاً ملاحظهٔ اینکه کارپردازها و وکیل کار
پردازها مأمور باستحصال اسباب امنیت و منفعت
و حمایت تبعهٔ دولت علیهٔ ایران برّاً و بحراً بممالک عثمانی
تردد و یا اقامت میکنند هستند در تحقیقات تبلیغات و
اظهارات شفاهیه و تحریریه حکومات محلیه بعمل خواهند
آورد و همچنین هرگاه در حق مأمورین و ضابطان عثمانی
شکایتی از طرف تبعهٔ دولت علیه ایران ظاهر شود کارپردازها
و وکیل کارپردازها شفاهاً و تحریراً باجرای تبلیغات لازمه
اقدام خواهند کرد اشخاصیکه از تبعهٔ ایران لازم شود

بممالک ایران فرستاده شوند کارپردازها و وکیل کارپردازها
روانهٔ ایران خواهند نمود و در صورت لزوم حق خواهند
داشت که در فرستادن آنها بوساطت و معاونت
حکومت محلیه رجوع نمایند که حکومات محلیه بر حسب
اظهارات ایشان لازمهٔ معاونت را بعمل آورند در
خصوص ترکهٔ تبعهٔ ایران که در ممالک عثمانی وفات میکنند چون
اموال تصاحب ترکهٔ آنها و معاملات تحریریه و غیر آن
بکارپردازها و وکلای کارپردازها راجع است در صورتیکه
از جانب تبعهٔ عثمانی در حق ترکهٔ آقائیه دعوائی شود در محاکم
و محال متعلقه بدعوا موافق نظام رسیدگی خواهد شد

خامساً تبعهٔ ایران که با تذکرهٔ تبعیت رسمیه بدست داشته
در ممالک عثمانی تردد و یا سیاحت مینمایند بوسیلهٔ اینکه

اصل پاسپورت و تذکرهٔ مرور و نظامات قرانتین که در حق
سایر تبعهٔ خارجه مرعی الاجری است تابع میشوند خللی بصفت
تبعهٔ خارجه بودن آنها ازینجهت وارد نخواهد گردید

سادساً چون تبعهٔ ایران که در ممالک عثمانی
اقامت دارند بصفت تبعهٔ خارجه مستفید شده سایر تبعهٔ خارجه
از خدمات و تکالیفی که مخصوص منحصر به تبعهٔ عثمانیه است
مانند خدمات و بدلات عسکریه مستغنی خواهند بود

سابعاً هرگونه دعوی و نزاع که در میان تبعهٔ
دولت علیهٔ ایران اتفاق بیفتد بمعرفت کارپردازها
و وکیل کارپردازها انجام داده خواهد شد و اگر در اینگونه فقرات
کارپردازها و وکیلها بحکومات محلیه رجوع نمایند لازمهٔ
معاونت بعمل خواهد آمد

ثامناً هیچکه از جانب مأمورین عثمانیه بمتروکات و تعلق امور تبعهٔ دولت علیهٔ ایران بکارپردازان خودشان مداخله نخواهد شد در خصوص ایفاء رسوم در تبعهٔ مزبوره باید بکارپردازیهای خودشان بدهند نیز از جانب حکومت محلیه بوجهی مداخله نخواهد شد

تاسعاً اگر یکی از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران بخواهد داخل تبعیت دولت عثمانیه شود موافق نظام مخصوص در حق سایر تبعهٔ خارجه جاریست لازمه آن اجرا خواهد شد و در خارج این اصول احدی از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران بخلاف قاعده و نظام تبعیت دولت عثمانیه قبول نخواهد گردید

عاشراً چون اجرای معاملهٔ متقابله در حق تبعهٔ عثمانیه در ممالک محروسه ایران اقامت دارند

طبیعیست لهذا هر کدام از فقرات مساعدانه در حق تبعهٔ دولت علیهٔ ایران در این قرارنامه منظور شده است در حق تبعهٔ عثمانیه در ممالک محروسه ایران اقامت دارند دریغ کرده شود و بعمل نیاید از اجرای همان مساعده در حق تبعهٔ دولت علیهٔ ایران در ممالک دولت عثمانیه نیز صرف نظر خواهد شد و در اینباب نیز معاملهٔ متقابله از طرفین مرعی خواهد گردید

حادی عشر اگر از جانب دولت علیهٔ ایران خواسته شود که تبعهٔ ایران از حقوق تصرف املاک بهره‌مند شوند در اینباب قرارنامهٔ جداگانه نوشته خواهد شد تا هنگام تنظیم قرارنامهٔ مذکوره کیفیت تصرف املاک بر منوال سابق خواهد ماند

ثانی عشر... همچنین اگر دولت علیّه ایران بخواهد
در تبعهٔ ایران با تبعهٔ عثمانی ازدواج کنند در خصوص نیز بالاتفاق
با انعقاد یک مقاوله مخصوصه موافقت خواهند کرد

ثالث عشر... در خصوص معامله و دعاوی و منازعاتیکه
در میان تبعهٔ دولت علیّه ایران و تبعهٔ سایر دول خارجه اتفاق
میافتد تا مقرون شدن قرار دادی در این باب مابین نظارت
سنیهٔ ایران و سفارتهای دیگر بطوریکه سابقاً مرعی الاجرا
بوده است رفتار خواهد شد

خاتمه ... در معاملاتیکه خارج از منفردات سیزده گانه
فوق است تبعهٔ دولت علیّه ایران هم در ممالک عثمانی
هستند و تبعهٔ دولت عثمانی هم در ممالک محروسه ایران
میباشند از امتیازات و مساعداتی که سایر تبعهٔ دول خارجه نایل

از همه مظاهر مساعده مستفید بهره مند باشند بهره مند خواهند
و هر یک از فقرات و خصوصات هم در فصول مذکوره
نموده شد از جانب دولت علیّه ایران
مجری نشود از جانب عثمانی نیز
سمت اجرا نخواهد یافت
فی ۲۰ شهر ذی القعدة الحرام
سنه ۱۲۹۲

تعدیل مقاوله نامهٔ مسطورهٔ فوق

اولاً میباید هر حکمی در تعلق بجنحه و جنایت و قباحت
نسبت به تبعهٔ عثمانیه صادر شود صورت مصدقه آن بسفارت
یا قونسولگری های عثمانیه داده شود

ثانیاً در تحقیقات اولیه تا وقتیکه کار به اثبات

ثابت کرده و صدور مأمور عثمانی جاریست

ثالثاً هر حکمی در باره خصم عثمانی صادر
شود مأمورین عثمانیه حق استفسار دارند و میباید
مأمورین ایرانیه اطلاع بآنها بدهند

رابعاً اگر از تبعهٔ عثمانیه جنحه و جنایت
و قباحتی سر زند و در اقامتگاه خودشان باشند حکومت
با او همان معامله را خواهد کرد که در باره تبعه و رعایای دول کاملة الوداد

خامساً تسویه ماده افلاس تبعه منحصر بسفارت
و قونسولگریهای عثمانیه است و بالسویه هر پنج فقره
در حق رعایای ایرانیه در ممالک
عثمانیه جاریست فی بیست و چهارم
محرم الحرام سنه ۱۲۹۴ تحریر شد

صورت عهود مقدسهٔ منعقده با دولت بهیه روسیه

عهدنامجاتیکه در سنه ۱۲۴۳ شهر شعبان المعظم در قریه ترکمانچای انعقاد یافت

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم و الاجاه امپراطور اکرم
بزرگ دستگاه مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه
و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت خسرو مدار پادشاه

اعظم با اقتدار ممالک ایران چون هر دو علیّتین
اراده و تمنّای صادقانه دارند که نوایب و مکاره جنگ که بالکلیه
منافی رأی والای ایشان است بنهایتی بگذارند و تشیید
قدیم حسن مجاورت و مودّت را مابین این دو دولت
بواسطهٔ صلحی متضمن دوام باشد و بواعث خلاف و نفاق آتیه
را دور کند در بنای مستحکم استقرار دهند لهذا برای تقدیم
اینکار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
جناب ایوان بسکویچ جنرال اپوشاند خود جنرال انفاندرجی
سرلشکر جداگانهٔ قفقاز و ناظم امورات ملکیه
گرجستان و ولایتهای قفقاز و حاجی ترخان و مدیر سفاین
حربیهٔ بحر خزر و صاحب حمایلات آلکساندری نوی
مقدس مرصع بالماس و آنّای مقدس مرتبهٔ اول مرصع

بالماس و ولادیمیر مقدس مرتبهٔ اول و گئورگی مقدس
مرتبهٔ دویم و صاحب شمشیر افتخار یک طلا موسوم
برای شجاعت و دیگری مرصع بالماس و صاحب حمایلات
دولت خارجه مرتبهٔ اولین شیر سرخ پیکر پروسیه و هلال
دولت عثمانی و نشانهای دیگر و جناب الکسندر اپرسکوف
دیستویتیلنی استاطسکی سوتنیک فاسر کور بار امپراطوری
و صاحب حمایلات مقدسه مرتبهٔ ثالث ولادیمیر و مرتبهٔ ثانیه
ستانیسلاوی لوابوهای پروسلیمی را و اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب والا شاهزادهٔ
نامدار حمید العنوان نایب السلطنه عبّاس میرزا را وکلای
مختار خود تعیین گردند و ایشان بعد از آنکه در کارگاهی
مجتمع شدند و اختیارنامههای خود را مبادله کرده موافق

قاعده و شایسته دیدند فصول آتیه را تعیین و قرارداد کردند

فصل اول بعد الیوم مابین اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک
ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان
مصالحه و مودت و وفاق کامل الی الابد واقع خواهد بود

فصل دوم چون نزاع و جدال که فیمابین
عهدکنندگان رفیع الارکان واقع شد و امروز بسعادت
منقطع گردید عهود و شروطی که بموجب عهدنامه گلستان
برذمت ایشان لازم بود موقوف و متروک میشود لهذا
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران چنین لایق دیدند که بجای عهدنامه مزبوره
گلستان عهدنامه دیگر این شروط و عهود قرار دهند که

مابین دو دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب استقرار
و انتظام روابط آتیه صلح و مودت گردد

فصل سیم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان بدولت
روسیه واگذار میکند تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه
آنطرف رود ارس باشد یا اینطرف و نظر باین تفویض اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران تعهد میکند که بعد از امضای این عهدنامه
در مدت ششماه همه دفتر و دستورالعمل را که متعلق باداره
اینهر دو ولایت مذکوره باشد بتصرف امرای
روسیه بدهند

فصل چهارم در تعیین دولتین علیتین متعاهدتین
عهد و پیمان میکنند از برای سرحد فیمابین دو مملکت

بموجب خط سرحد وضع نمایند از نقطهٔ سرحد ممالک
عثمانیه در از خط مستقیم بقلّهٔ کوه آغری کوچک اقربست
ابتدا کرده ازینخط تا بقلّهٔ آغری کوچک کشیده میشود و از آنجا تا
بسرچشمهٔ رودخانهٔ مشهور بقرا سوی پایین در از سراشیب
جنوبی آغری کوچک جاریست فرود آمده بمتابعت مجرای
این رودخانه تا بالتقای آن برودخانهٔ ارس در مقابل شرور
ممتد میشود چون این خط بآنجا رسید بمتابعت مجرای
ارس تا بقلعهٔ عباس آباد میآید و در دور تعمیرات و ابنیه
خارجهٔ آن در کنار راست ارس واقعست نصف قطری
بقدر نیم فرسخ در عبارت از سه ورس و نیم روسی است
رسم میشود و این نصف قطر در همه اطراف امتداد مییابد
همه اراضی و عرصه در درین نصف قطر محاط و محدود

میشود بالانفراد تعلق بروسیه خواهد داشت و از تاریخ امروز
در مدت دو ماه با صحت و درستی کامل معیّن و مشخص خواهد
شد و بعد از جائیکه طرف شرقی این نصف قطر متصل
بارس میشود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس
میکند تا بمعبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای
ارس امتداد مییابد تا بفاصلهٔ و مسافت سه فرسخ که
عبارت از بیست و یک ورس روسی بعد از وصول باین
نقطه خط سرحد باستقامت از صحرای مغان میگذرد تا
بمجرای رودخانه بالهارود بمحلّی که در سه فرسخی واقعست
پایین تر از التقای دو رودخانه کوچک موسوم بآدینه بازار
و ساری قمش و از آنجا اینخط بکنار چپ بالهارود تا
بالتقای رودخانهٔ مذکور صعود کرده بطول کنار راست

رودخانهٔ آدینه بازار شرقی با منبع رودخانه و از آنجا تا
با اوج بلندیهای چگیر امتداد می‌یابد بنوعی که حصهٔ آنهائیکه
جانب بحر خزر میشود متعلق بروسیه خواهد بود و حصهٔ آنهائیکه
سراشیب و مجرای آنها بجانب ایران است تعلق بایران
خواهد داشت چون سرحد مملکتین در این واسطهٔ قلل جبال
تعیین می‌یابد لهذا قرار داده شده نشیبهائیکه ازین کوهها
بسمت خزر است بروسیه و طرف دیگر آنها بایران متعلق
باشد از قلهٔ بلندیهای چگیر خط سرحد تا بقلهٔ کمرقوی
بمتابعت کوههائی میرود و درطاش را از محال ارشق
منفصل میکند چون قلل جبال از ما بین مجرای میاه را
فراق میدهد لهذا دراینجا نیز خط سرحد را همان قسم تعیین
میکنند در فوق درباب مسافت واقعه ما بین منبع آدینه بازار

و قلل چگیر گفته شد بعد از آن خط سرحد از قلهٔ کمرقوی بسلسلهٔ جبالی
کوههائیکه محال زونه را از محال ارشق فرق میدهد
متابعت میکند تا بسرحد محال دلگیج همواره بر طبق همان
ضابطه درباب مجرای میاه معین شده محال زونه را
بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قلل جبال مذکوره واقعست
از نقرار حصهٔ روسیه خواهد بود از ابتدای سرحد محال
دلگیج خط سرحد ما بین دره لت نقلل جبال کلو و نیو سلسلهٔ
کوههای عظیمه از دلگیج میگذرد متابعت میکند تا
بمنبع شمالی رودخانهٔ در سوم باستا را بدیهیه ملاحظهٔ همان ضابطه
در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای
این رودخانه خواهد کرد تا بملتقای دهنهٔ آن ببحر خزر و خط
سرحد را بعد از این متصرفات روسیه و ایرانرا از هم

فرق خواهد داد تکمیل خواهد نمود

فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
برای اثبات دوستی خالصانه در نسبت با اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه دارد باین فصل از خود و از
عوض اخلاف و ولیعهدان سریر سلطنت ایران تمامی
الکا و اراضی و جزایری را که در میانه خط حدود معینه
در فصل مذکور فوق و میان برفدار کوه قفقاز و دریای خزر است
و کذا جمیع قبایل را چه خیمه نشین و چه خانه دار که از اهالی
ولایات مذکوره هستند واضحاً و علناً الی الابد مخصوص
و متعلق بدولت روسیه میداند

فصل ششم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
بتلافی مصارف کثیره دولت روسیه را برای جنگ

واقعه بین الدولتین اتفاق افتاد و همچنین بتلافی ضررها
و خسارتهائیکه بهمان جهت رعایای دولت روسیه رسیده
تعهد میکند در واسطه دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح
نماید و مبلغ این وجه بین الدولتین ده کرور تومان رایج
قرار گرفت در عبارت است از بیست ملیون منات سفید روسی
و چگونگی و موعد و رهاین وصول این وجه در قرارداد علیحده
که همانقدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ
در این عهدنامه مصالحه الکالیه مندرج است معین خواهد شد

فصل هفتم چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
شایسته و لایق دانسته همایون فرزند خود شاهزاده عباس میرزا
ولیعهد و وارث تخت فیروزی بخت خود تعیین نموده است
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه را بآنکه از مسلمهای

درستانه و تمنای صادقانه خود در مزید استحکام این ولیعهدی
دارد با علیحضرت پادشاه ممالک ایران برهانی واضح و شاهدی
لایح بدهد تعهد میکند که از این روز بعد شخص وجود نواب
مستطاب والا شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و
وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته از تاریخ
جلوس بتخت شاهی پادشاه بالاستحقاق این مملکت داند

فصل هشتم سفاین تجارت روس مانند سابق
استحقاق خواهند داشت که بآزادی بر دریای خزر و بطول
سواحل آن سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حالت
شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت
همچنین کشتیهای تجارت ایران را اتفاق خواهد بود که بقرار سابق
در بحر خزر سیر کرده بسواحل روس آمد و شد نمایند و در آن

سواحل در حالت شکست کشتی بهمان نسبت اعانت و امداد
خواهند یافت در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه روسیه
دارند چون از قدیم بالانفراد اتفاق داشتند که در بحر خزر
سیر نمایند لهذا همین حق مخصوص کما فی السابق امروز با
اطمینان بایشان داده میشود بنحوی که غیر از دولت روسیه
هیچ دولت دیگر نمیتواند در بحر خزر کشتی جنگ داشته باشد

فصل نهم چون مکنون خاطر اعلیحضرت امپراطور
کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
این است که من کل الوجوه عهودی را که مابین بسعادت و میمنت
مابین ایشان مقرر گشته مستحکم نمایند لهذا قرار داد نموده‌اند
در سفرا و وکلا و کارگذارانی که از جانبین بدولتین
علیتین تعیین میشوند خواه برای انجام خدمات اتفاقیه یا برای اقامت دائمی

فراخور مرتبه و موافق شأن دولتین علیتین و بملاحظه مودتیکه
باعث اتحاد ایشان گشته بعادت ولایت مورد اعزاز و احترام
شوند و در خصوص دستور العمل مخصوص و تشریفاتی قرار داد خواهند
گردید که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد

فصل دهم چون اعلیحضرت امپراطور کل
ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اشتیاق
وافر به روابط تجارت این دو دولت مانند یکی از نخستین فواید
ملاحظه کردند که بنهایت از تجدید مصالحه حاصل شود لهذا
قرار داد نمودند در تمامی اوضاع و احوال متعلقه بحمایت
تجارت و امنیت تبعه دولتین را بنوعیکه متضمن مرابطه کامله
باشد معین و منتظم و در معاهده جداگانه که در این عهدنامه
ملحق و با این وکلای مختار جانبین مقرر و مانند جزو متمم او مرعی

و ملحوظ ایشان مضبوط و محفوظ دارند اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران برای دولت روس کما فی السابق این اختیار را
مرعی میدارد که در هر جا مصلحت دولت اقتضا کند
کونسولها و حامیان تجارت تعیین نماید و تعهد میکند که این
کونسولها و حامیان را که هر یک زیاده از ده نفر اتباع نخواهند
داشت فراخور رتبه ایشان مشمول حمایت و احترامات
و امتیازات سازد اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
از جانب خود وعده میکند در باره کونسولها و حامیان
تجارت اعلیحضرت پادشاه ایران بهمین وجه مساوات کامله مرعی
دارد در حالتیکه از جانب دولت ایران نسبت بیکی از کونسولها
و حامیان تجارت روسیه شکایتی محققه باشد وکیل یا کارگذار
دولت روس که در دربار اعلیحضرت پادشاه ایران متوقف خواهد

و این حامیان وکونسولها بلا واسطه در تحت حکم او خواهند شد
او را از شغل خود بیدخل داشته هر که لایق داند ادارهٔ امر
مزبور را برسبیل عاریه رجوع خواهد کرد

فصل یازدهم ... همه امور و ادعاهای تبعهٔ
طرفین که بسبب جنگ بتأخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه
براقی عدالت باتمام خواهد رسید و مطالباتیکه رعایای ۱
جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند بتعجیل و تجدید وصول
پذیر خواهد شد

فصل دوازدهم دولتین علیتین معاهدتین
بالاشتراک در منفعت تبعهٔ جانبین قرار داد میکنند که
برای آنهائیکه مابین خود بسیاق واحد در هر جانب رود ارس
املاک دارند مدت سه ساله مقرر نمایند تا بآزادی در

بیع یا معاوضهٔ آنها قدرت داشته باشند لیکن اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه از منفعت این قرار داد در همه
آنقدر که باو متعلق و واگذار میشود سردار سابق ایروان
حسین خان و برادر او حسنخان و حاکم سابق نخجوان کریمخان را
مستثنی میدارد

فصل سیزدهم همه اسرای جنگ دولتین خواه
در مدت جنگ آخرین باشد یا قبل از آن همچنین تبعهٔ طرفین ۲
که باسیری افتاده باشد از هر مدت که باشد همگی الغایت
چهار ماه بآزادی مسترد و بعد از آنکه جیره و سایر تدارکات
لازمه بایشان داده شد بعباس‌آباد فرستاده میشود تا آنکه
بدست مباشرین جانبین که در آنجا مامور گرفتن و تدارک
فرستادن ایشان بولایت خود خواهند بود تسلیم بشوند

دولتین علیتین معاهدتین درباب همهٔ اسرای جنگ تبعهٔ
روس وایران دربابری افتاده وبعلت دوری مکانهاییکه
ازآنجا آمده بودند یا بعلت اوضاع واسباب دیگر در ۲
مدت معینه مسترد نشده باشند همان قرار داد رامیکنند ودو
دو دولت ای وقت کان اختیار بتجدید وبهایت خواهند داشت
که آنها را مطالبه کنند وتعهد میکنند درهر وقت اسیر خود
بدولت عرض نماید یا اثبات را مطالبه کنند ازجانبین مسترد سازند

فصل چهاردهم

دولتین علیتین معاهدتین
جلای وطن کنندگان وفراریانرا که قبل ازجنگ یادرمدت ۳
آن بتحت اختیار جانبین گذشته باشد مطالبه نمیکنند ولیکن
برای منع نتایج مضره جانبین که از مکاتبات وعلایق مخفیه
بعضی ازین فراریان با همولایتیان یا اتباع قدیم ایشان

حاصل میتواند شد دولت ایران تعهد میکند که حضور و
توقف اشخاص فراریرا که الحال یابعدازین بایسمه یاد و مشخص خواهد
شد ازتصرفات خود درمابین ارس وخط رودخانه
موسوم بچهریق ودریاچه ارومی ورودخانهٔ مشهور بجغتو و
قزل اوزن تاانتهار آن بدریای خزر واقع است رخصت
ندهد اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه ازجانب خود
همچنین وعده میکند که فراریان ایرانرا درولایت قراباغ
ونخجوان وکذالک درآنحصه ولایت ایروان که درکنار راست
رود ارس واقع است اذن توطن وسکنی ندهد لیکن
معلوم است که این شرط معمول ومجری نخواهد بود مگر در
باب اشخاصیکه صاحب مناصب ملکیه یا مرتبه وشأن
دیگر باشند مانند خوانین وبیکها وملاهای بزرگ که درصورت

رفقا و اعوانان و مخابرات و مکاتبات خفیه ایشان درباره
هموطنیان و اتباع و زیر دستان قدیم خود موجب کدورت و
تأثیر بافساد و اخلال توانند شد درخصوص رعایای
عامه مملکتین مابین دولتین قرارداد شد که رعایای جانبین
که از مملکتی بمملکت دیگر گذشته یا بعد ازین بگذرند مأذون
و مرخص خواهند بود که در هر جائیکه آن دولت که این رعایا
تحت حکومت واقع و او گذشته باشند مناسب دانند سکنی
و اقامت کنند

فصل پانزدهم

اعلیحضرت پادشاه ممالک
ایران باین حسن اراده که آرام و آسایش را بممالک خود باز
آرد و درجات بلاها را اکنون بسبب این جنگ
و خصومت در اهالی مملکت رو آورده بجهت انقطاع نهند

که بفیروزی تمام سمت انجام میپذیرد از ایشان صدور کند
بهمه رعایا و ارباب مناصب آذربایجان عفو کامل و شامل
مرحمت میفرمایند و هیچیک از ایشان بدون استثنای مراتب
و طبقات بجرم غرضها و عملها و رفتارهای ایشان که در مدت
جنگ یا در اوقات تصرف چند وقته قشون روسیه
از ایشان ناشی شده نباید معاقب شوند و آنها را بعلاوه ازین از
امروز یکساله مهلت بایشان مرحمت میشود که آزاد با عیال
خود از مملکت ایران بمملکت روس انتقال نمایند و اموال
و اشیاء خود را نقل یا بیع کنند بدون آنکه دولت یا حکام
ولایت اندک ممانعت کنند یا از اموال و اشیاء منقوله
یا مبیعه ایشان حقی و مزدی اخذ نمایند در باب ملک
ایشان پنجساله موعد مقرر میشود که در آن مدت بیع یا حسب

خواهش خود باگذاری درباب آنها نمایند و ازین عفو و
بخشش مستثنی میشوند کسانیکه درین مدت یکسال بسبب بعضی
تقصیرات و گناهانیکه مستلزم سیاست دیوانخانه باشد مستوجب
عقوبت میگردیدند

فصل شانزدهم بعد از انقضاء اینعهدنامه
۴ مصالحه فی الفور وکلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت
در همه جا دستورالعمل و حکمهای لازمه بفرستند تا بلا تأخیر
خصومت را ترک نمایند اینعهدنامه مصالحه در دو نسخه
بیک مضمون ترتیب یافته است و بدستخط وکلای جانبین
رسیده و بمهر ایشان ممهور و مابین ایشان مبادله شده است
ازجانب اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی و

تصدیقنامه‌های متداوله در دستخط مخصوص ایشان
مزین خواهد بود در مدت چهار ماه یا زودتر اگر ممکن باشد
مابین وکلای مختار ایشان مبادله خواهد
شد تحریراً در قریهٔ ترکمانچای بتاریخ
۱۰ شهر فورال ۱۸۲۸ مسیحیه
عبارت از پنجم شهر شعبان
۱۲۴۳ هجری
بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید
بامضای وزیر دولت خارجه عالیجاه میرزا ابوالحسن خان رسید

۵ درباب کرورات و تخلیهٔ سرحدات

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اوّل نظر بماده فصل چهارم عهدنامه

عهدنامهٔ مرقومه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران تعهد میکند
که از تاریخ اختتام عهدنامه مرقومه در مدت دو ماه همه
حصهٔ طالش را که بالاستحقاق متعلق بدولت روسیه است
و سرحد داران بصحت و درستی بموجب فصل چهارم عهدنامه
عمده معین شده است و بعلت افعال خصمانه صادره قبل
از جنگ که این عهدنامه بسعادت بانتها میرساند بتصرف
عساکر ایران درآمده است از جیوش تخلیه کرده بمأمورین
روس در همین جهت تا آنکه آنها مرتب خواهند شد تسلیم نماید
تا زمان تفویض ولایت مذکوره وکلای روسیه دولت
ایران بدقت توجه خواهند شد در اینکه به تعدی و ظلم باهالی
آن ولایت و اموال ایشان معمول نباشد و حکام ولایت
از هرگونه خلاف ضابطه و نظام در خدمت آنها اتفاق

بقید از طرف دولت مؤاخذ خواهند بود

فصل دویم

نظر بما حصل فصل ششم
عهدنامهٔ عمدهٔ مرقومه که بموجب آن اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران بصراحه متعهد شده است در باب اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه بعوض خسارت ده کرور تومان
رایج که عبارت از بیست ملیون منات سفید روسی میباشد
مابین دولتین علیتین متعاهدتین مقرر گشته است هشت کرور
تومان از آن در مدت هشت روز در کمال فاصله بعد از اختتام
این عهدنامهٔ مذکوره انقضا می یابد بوکلای مختار روسیه
با کمال شان ادا شود و دو کرور تومان نیز تا پانزده
روز دیگر بوصول یابد و سه کرور هم در غرهٔ شهر اپریل ۱۸۲۸
مسیحی که عبارت از ۲۶ شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری است ایصال گردد

و هرگاه باقی هم که تتمه ده کرور تومان است دولت
ایران بدولت روسیه متعهد ایصال گشته در غرّه شهر نووار
سنه ۱۸۳۰ مسیحیه که عبارت است از ۲۲ جدی سنه ۱۲۴۵

فصل سیم

به نیت آنکه اعلیحضرت امپراطور کل ممالک
روسیه جهت ایصال صحیح و کامل وجه خسارت مذکوره
بدهند مابین دولتین علیتین معاهدتین قرار داده‌اند که تا
ایصال کل هشت کرور تومان تمامی ولایات آذربایجان
در تصرف بواسطهٔ عساکر روسیه مانده اداره و انتظام آن
بالانحصار برای منافع روسیه باشد بنوعیکه حکومت مستعاری
که الحال در تبریز وضع شده است در اجرای تسلط و رفتار
خود که رعایت و حفظ ضابطه و آسایش در ولایت متعلق و
با انقضای وسائل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکریه

باید عساکر العاریه در ولایت مذکوره مقیم باشند مربوط است
امتداد یابد اگر خدا نکرده مبلغ مذکوره فوق هشت کرور
تومان است تا روز پانزدهم ماه اوغوست سنه ۱۸۲۸ که عبارت
از پانزدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۴۴ هجری تمامه تسلیم نشود معلوم
بصم و خواهد بود تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال کلی
دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
مطلقاً استحقاق خواهد داشت که آنرا بضمیمه مملکت خود سازد
یا بزیر حمایت بیواسطه و بالانفراد خود خوانینهای خود که
انتقال آنها بایست باشد در آن معین کنند و در باب مبلغهائیکه
روی قرار داد در آنوقت بدولت روس وصول یافته باشد
ایضاً معلوم است هرچه بی مطالبه باز گرداند برای نفع او
میماند اما در صورت دولت ایران نزد دولت روس بالمرّه

از تعهدات نقدیه بری الذمه خواهد بود لیکن تقریبات ممکنه
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران هر کرور ازین ۳ کرور که
بعد از پنج کرور تومان وجه خسارت مشروطه میبایست
داده شود تسلیم کرده شود همه آذربایجان انتهای مرتبه در مدت
یکماه از عساکر روسیه تخلیه خواهد شد و باختیار ایرانیان واگذار
خواهد گردید اما قلعه و ولایت خوی ماند زمن اتصال کرور
نیم از کرورات مذکوره در باید بالتمام در پانزدهم ماه اغوست سنه ۱۸۲۸
مسیحیه برسد در اقتدار عساکر روسیه خواهد ماند جنرالی که عساکر
روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیهٔ و رد همه باجزو
آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بدولت
امپراطور روسیه در موعد معهود همه هشت کرور با همین هشت
کرور تومان را داده باشد پیش از وقت دستورالعمل لازمه در دست

خواهد داشت و حکومت مستعار تبریز در آنوقت اختیاری را
که دارد از خود سلب کرده وکلای ایران که برای انجام
از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مأمور خواهند بود آ
تصرف آن خواهند پرداخت لیکن بدون انکه ضابطه
و آسایش خلق مشوش تواند شد و در شرایط و تعهداتیکه در
عهدنامه عمده مصالحة الحال و درین فصول زائده مقرر گشته است
تغییری حاصل تواند گرد

فصل چهارم

عساکر روسیه بنابر فصل
سابق چند وقت آذربایجان را در تصرف خواهند داشت چون
اقتدار تام و تمام در [illegible] فرمانفرمای عساکر روسیه
در هر جای این مملکت اقامت نماید لهذا قرار داده شد
که عساکر ایران هرگز در بعضی اماکن آذربایجان

منتشرند بلا فاصله بیرون روند و خود را بولایات
داخلهٔ ایران بکشند

فصل پنجم راجع برفع امور که موجب اختلال
ضابطهٔ نظام عسکریه میشود و حفظ آن مابین عساکر جانبین
در مدت تصرف چند وقته ولایات که در فصل سابق قرار
داده شده بغایت لازم است مقرر شد که در اینمدت
اقامت همه فراری لشکر روس که بجانب ایرانیان بگذرد
باید بواسطهٔ رؤسای ایران گرفته شده فی الفور بنزد بزرگترین
رؤسای عساکر روس تسلیم شود و همچنین همه فراری لشکر
ایران که بجانب روسیه بگذرد بلا فاصله گرفته شده
بنزد بزرگترین حاکم ایران تسلیم میشود

فصل ششم همانساعت بعد از مبادلهٔ تصدیق نامه‌ها

از جانبین مباشرها برای تشخیص خط سرحدیکه برابطهٔ
فصل چهارم عهدنامهٔ عمدهٔ امروزه شرط شده نامزد خواهد
شد و کذلک برای ترتیب نقشهٔ صحیح از آن که یک نسخه
بمهر مباشرین رسیده بتصحیح فرمانفرمای گرجستان و نسخهٔ
دیگر در کمال مشابهت بتصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه
عباس میرزا عرض خواهد شد و بعد از آن این نقشه
مبادله شده بتصدیق و در مستقبل دست آویز و سند خواهد
بود این فصل جداگانه که برای تکمیل عهدنامهٔ عمدهٔ
امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر دو نسخه است همانقدر قوه
و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ در آنجا مندرج است
در هر حال ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک
روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران آنها را

دستخط گذاشته مهر کردیم تحریراً در قریه ترکمانچای بتاریخ دهم
شهر فورال سنه ۱۸۲۸ مسیحیه و بعبارت اخری پنجم شهر شعبان
سنه ۱۲۴۳ هجری

بخط و مهر نواب نایب السلطنه

بامضای [illegible] میرزا ابوالحسن

[illegible]

در باب تشریفات سفرا و مأمورین

بسم الله الرحمن الرحیم

چون وکلای مختار روس و ایران مجتمع شده بودند تا
اینکه برطبق فصل نهم عهدنامه عهد امروزه رأی تشریفات
شایسته پذیرفتن ایلچیان و وکلا و کارگذاران دربار علیتین

بدربار جانبین تعیین میشوند قاعده و نظمی بگذارند لهذا
برابطه مشترکه بینهما باینطور قرار داده گردید همینکه دولت
ایران رسماً از ورود یکنفر ایلچی روس بتفلیس خبردار شد
بلا تأخیر یکنفر از مرتبه درست آن ایلچی مناسب باشد اختیار
کرده تا سرحد باستقبال او میفرستد و دولت ایران
همان وقت فرمانفرمای گرجستان را از عزیمت مهماندار
اخبار میکند و روز ورود او را بسرحد تخمیناً تعیین مینماید و ایلچی
از طرف خود اهتمام کرده سفر خود را نوعی حساب
خواهد کرد که مقارن ورود او وارد آنجا شود و از ساعتی
که مهماندار ایلچی را ملاقات خواهد کرد متعهد امنیت وجود او
و اکرامیکه لایق او هستند خواهد بود ایلچی را در هر منزلی
استقبالی خواهند کرد و رئیس آن منزل با یکنفر آدم معتبر

آن داخل مستقبلین باشند با معارف و اتباع شایسته و اگر
ایلچی در محل معتبر مملکتی مکث کند حاکم خود برای تعارفات
ایلچی بر سر مستقبلین بوده تا بمنزلی که برای او مهیا شده
همراهی خواهد کرد اگر ایلچی در شهری که یکی از شاهزادگان
حاکم آنجا باشد مکث کند شاهزاده یا حاکم آن شهر است
برای خوش آمد و تعارفات ایلچی وزیر خود را بملاقات
او خواهد فرستاد و اگر زیارتی از شاهزاده بکند ایلچی و جمله
اشخاصیرا که جزو سفارتند تکلیف قهوه خواهد کرد و یک
صندلی برای ایلچی حاضر خواهند نمود و هر جاکه در رهگذر
ایلچی لشگری باشد مسلح شده احترامات عسکریه معموله
نسبت باو خواهند نمود مهماندار اهتمام خواهد کرد که قبل
از وقت دولت ایران از ورود تازه ایلچی اخبار کند تا آنکه بتوانند

تدارکات لازمه جهت ورود و سلام او آماده کنند چونکه
ایلچی باخرین منزل دارالسلطنه یا اردوئیکه اعلیحضرت
پادشاه تشریف دارند رسید یکی از اشخاص معتبر باسم
ولیعهد همایون خود پذیرفته خواهد شد و در نیمه راه دارالسلطنه
یا اردو باستقبال ایلچی عظیم از جانب پادشاه در رئیس آنها
شخص جلیل الشأنی از دربار پادشاهی خواهد بود پذیرفته
خواهد شد مستحفظین شهر یا اردو برای ایلچی پیش خواهند
کرد و احترامات عسکریه در لایق او باشد بعمل خواهند آورد
و سرخیل مستقبلین پادشاهی همانساعت ایلچی را بمنزلیکه
برای او مهیا شده باشد خواهد برد و در آنجا قراول احترامی
برای او خواهد بود فردای ورود او وزیر پادشاه و عظمای
دربار سلطنت ایلچی را عیادت خواهند کرد ولیکن فردا

سلام خاص اعلیحضرت پادشاهی خواهد رفت و ایشیک آقاسی
باشی در ساعت مقرر آمده او را اعلام خواهد کرد که برای پذیرفتن
او همه آماده است درینصورت ایلچی باین ترتیب روانه میشود
قراولان شاهی پیش رو دسته ایلچی و پیاپیش راه میروند جمعی
از قراول با نوکرهای پیاده ایلچی از عقب ایشان میروند در حالیکه
ایلچی با اسب مرتبی که از سرکار شاهی فرستاده شده یا اسب
خاصه خود را سوار شده باشد و جلودار سرکار پادشاهی
پیش رو راه برود و اشخاص سفارت و اتباع او که در رکاب
و ایشیک آقاسی باشی در جانب چپ او باشند و از دو جانب
شاطران پادشاهی راه بروند و بلا فاصله از عقب او دسته
از قراولان ایلچی یا از نوکران پیاده و قراولان پادشاهی
دنباله رو دسته ایلچی باشند عسکریکه در میدان قصر پادشاهی

پادشاهی گذاشته شده باشند باید در عمارت باسرابرده برای
ایلچی پیش فنگ بکنند و ایشیک آقاسی باشی که بپیشباز
ایلچی خواهد بود اهتمام خواهد داشت که اشخاصیکه در رکاب
او باشند بر پا بایستند ایلچی در در عمارت باسرابرده پیاده خواهد
شد و با وطاق وزیر اول یا جادر سپهسالار رفته تا بیرون
آمدن پادشاه چند لحظه در آنجا آرام خواهد گرفت در اینحال
ایلچی با همراهان خود ایشیک آقاسی باشی از پیش بحوطه عمارت
باسرابرده داخل خواهد شد قراول و نوکرهای پیاده ایلچی
در میدان بیرونی خواهند ماند بعد از آنکه ایشیک آقاسی باشی
آمدن ایلچی را باعلیحضرت پادشاهی عرض کند او را از جانب
شاه بدخول اوطاق یا جادر تکلیف خواهد کرد و ایلچی با همه
اصحاب خود بآنجا خواهند رفت اما در هیچ حالت از ایلچی و از اینکه

از اصحاب او درخواست نخواهد شد و هیچگونه تغییر در وضع
وزی خود دارند بدهند لیکن ایلچی و اتباع او اهتمام خواهند
کرد که برای حفظ کفش تدارک نمایند و قبل از داخل
شدن بیرون بیاورند بعد از عرض نیاز بحضرت شاه ایلچی را
از جانب شاه تکلیف به نشستن میشود و برابر او صندلی حاضر
میکنند بعد از انقضا و انتهای مجلس ایلچی بهمان ترتیبی که
آمده بود مراجعت میکند لیکن بدون اینکه باوطاق وزیر
اعظم یا کاپدر سپهسالار داخل شود بعد از سلام اول
ایلچی باز دید اشخاصیکه بدیدن او آمده بودند میرود و رسوم
تشریفات را پذیرفتن وکیل یا کارگذار روس همان خواهد
مگر اینکه صاحبمنصبی به استقبال او میفرستند در مرتبه
پست تر خواهند بود و اصحاب ایشان در عدد کمتر و نیمه

مستحفظین را ایشان بیرون نخواهند آمد و همان عسکریکه
در اول ایستند را ایشان پیش فنگ خواهند کرد وزیر
اعظم پادشاهی اوّلا بدیدن ایشان نخواهد رفت اما بدون
تعلل نکرده بعد بباز دید ایشان خواهد رفت اگر ایلچی یا
وکیل یا کارگذار از جانب ولیعهد خود حامل مراسله باسم
اعلیحضرت پادشاه از دست ایشان خود خواهد گرفت همان
تشریفات بتوسط دولت روس درحق ایلچیان و وکلاء
وکارگذاران ایران در مأموریت بدربار پطرزبورغ بعینه
مرعی و ملحوظ میشود لیکن بملاحظه اختلاف رسومات
معموله در مملکت این تذکره مشتمل بر دو نسخه است و
دستخط و مهر وکلای مختار جانبین را دارد همان قدر
و قیمت را دارد که گویا لفظاً بلفظ بعهدنامه عهد امروزه

منعقد است تحریراً فی قریه ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فورال سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۳ هجری

بامضا و تصدیق نایب السلطنه

عباس

السید

بامضای ویروم ... ابراهیم علی ... ابوالحسن خان

۱ و ۲

در باب تجارت و تعیین وکیل التجاره

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اوّل

چون دولتین علیتین متعاهدتین تمنّا دارند رعایای خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی در رخصت تجارت حاصل میشود بهره مند دارند لهذا این تفصیل

قرار داد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکرهٔ متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران میتوانند تجارت نمایند و کذلک مملکت های همجوار دولت مذکوره میتوانند رفت و بهمین نسبت اهالی ایران امتعهٔ خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بمملکت روس
(۲) بیرون برد و از هر گونه حقوق و امتیازاتیکه در ممالک اعلیحضرت امپراطور باتباع دول کاملة الوداد اروپا داده میشود بهره مند خواهند شد در حالتیکه یکی از اتباع روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منقوله و غیر منقوله او چون متعلق برعیت دولت دوست است بدون قصور بوراث یا شرکای او تسلیم خواهد شد و باختیار تمام بحدیکه شایسته
(۱) میتوانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید کرد اتباع دیگر

دانند معامله نمایند و درصورتیکه اقوام و شرکای او موجود
نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال بر کنسول یا کارگذار
یا کنسولهای روسیه واگذار میشود بدون اینکه هیچ
گونه ممانعت از جانب حکام ولایت ظاهر شود

فصل دوّیم حجج در بروات و ضمانات با عهود دیگر

عهدهائی که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوباً
میگذارند نزد کنسول روسیه و حاکم ولایت و در جائیکه قنسول نباشند
تنها نزد حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه
بین الطرفین برای قطع دعوی برطبق عدالت تحقیقات لازمه
توانند کرد و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه بنحو مذکور وثیق
تمسکات محرره و مصدقه که لایق قبول هر محکمه عدالت است
در دست داشته باشد از دیگری ادعائی نماید و جز ورقه شهود

دلیل دیگر ندارد اینقبیل ادعاها مادامیکه مدعی علیه خود
تصدیق بحقیقت آن نماید مقبول نخواهد شد و همه معاملات
منعقده بصورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده
باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شده هرگونه ممانعت که
در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد
موجب تلافی خسارت ناشیه از طرف دیگر خواهد بود و چنانکه
یکی از تجار روس در ایران مفلس و ورشکست شود حق ارباب
طلب از امتعه و اموال او داده شود اما اگر از وکیل و کار
گذار یا کنسول استعلام شود در مفلس مذکور مال ممکن
التصرف در کار با رضای همان ارباب طلب باید
در ولایت روسیه گذاشته باشد برای تحقیق کردن این
مطلب از مساعی جمیلهٔ خود مضایقه نخواهند کرد و این

قرارداد مندرجه در فصل سابق گشته همچنین درباره اهالی ایران
در ولایت روس موافق قوانین ملکیه تجارت میکنند
مرعی خواهد شد

فصل سیم برای اینکه تجارت تبعه جانبین
نظر باینکه علت غائی شروط سابق الذکر گشته اند محقق
و مستحکم نمایند قرارداد شد که از هر گونه متاع که بتوسط
تبعه روس بایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود
و کذلک از امتعه محصوله مملکت ایران که بتوسط تبعه آن دولت
از دریای خزر یا از خط سرحد مابین روس و ایران
بولایت روس برده شود همچنین از امتعه روس که رعایای
ایران از همان راهها بیرون میبرند بطوریکه اثبات شد در وقت
داخل شدن و بیرون رفتن هر دو یکدفعه صدی پنج از صد گمرک

گرفته شود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه
نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند در قانون تازه و
تعرفهای جدید قرار داد کند متعهد میشود در این حالت نیز
گمرک مزبور را از صدی پنج اضافه ننمایند

فصل چهارم اگر دولت روس یا ایران با
دولت دیگر در جنگ باشند تبعه جانبین ممنوع نخواهند شد
از اینکه با امتعه خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور
کرده بخاک دولت مزبوره بروند

فصل پنجم چون موافق عاداتیکه در ایران
موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است در خانه و انبار و مکان مخصوص
برای وضع امتعه خود باجاره پیدا کنند لهذا تبعه روس
در ایران اذن داده میشود در خانه برای سکنی و انبار و مکان

برای وضع امتعهٔ تجارت هم اجاره نمایند و هم مملکت تحصیل
کنند و متعلقان دولت ایران با آن خانها و انبارها و ملکها
عنفاً و غصباً داخل نتوانند شد لیکن در وقت ضرورت
از وکیل یا کارگذار و یا کونسول دولت روسیه اذن خاص طلب توانند
نمود و ایشان صاحب منصب یا ترجمانی تعیین کنند که در وقت
ملاحظهٔ خانه یا امتعه حضور داشته باشد

فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری
و صاحب منصبان مأمور ایشان و کونسولها و ترجمانها
در ایران امتعه برای ملبوس ایشان نیابند و اگر اشیاء ضروریهٔ
معیشت برای ابتیاع پیدا نکنند لهذا میتوانند بدون
باج و خراج هرگونه امتعه و اشیاء در فائدهٔ مصارف ایشان
تعیین شده باشد بیاورند همچنانکه این امتیازات با تمامه

دربارهٔ وکیل و کارگذار و کونسول دولت ایران مقیم دربار
روس باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسی که از اهالی ایران
برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسولها و حامیان تجارت
روس لازم است مادامیکه در نزد ایشان باشند مانند تبعهٔ
روس از حمایت ایشان بهره‌مند خواهند بود و لیکن اگر
شخصی از آنها مرتکب جرمی شود بر وفق قوانین ملکیه
مستحق تنبیه باشد در آن صورت وزیر دولت ایران یا حاکم
در جائیکه آنها باشند بزرگ ولایت مجرم را بواسطه از
ایلچی یا وکیل یا کونسول در نزد هرکدام باشند مطالبه میکنند
تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلایل
جرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا وکیل یا کونسول
از دادن او مضایقه نخواهند کرد



فصل هفتم همه ادعاها و امور متنازع فیها که فیمابین
تبعه روسیه باشد بالانحصار بملاحظه و قطع و فصل وکلا یا
قونسولهای اعلیحضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادات
دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهائیکه ۷
فیمابین تبعه دولت روسیه و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتد در
حالتیکه طرفین باو راضی شوند و منازعات و ادعاهائیکه مابین
تبعه روس و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع یا حاکم
عرف ولایت معروض و محول میگردد و ملحوظ و طی نمیشود مگر در حضور
ترجمان یا وکیل یا قونسولها چون اینگونه ادعاهائیکه موافق
قانون یکدفعه طی شده باشد دوباره استعلام نمیتواند شد هرگاه
اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه ثانی کند
بدون اینکه وکیل یا کارگذار یا قونسول روس را سابقاً از

آن اخبار نموده ملاحظه نمیتواند شد و در اینحالت آن امر
استعلام و حکم علیه نمیتواند گردید مگر در دفترخانه اعظم
پادشاهی در تبریز یا طهران باشد که آنهم در حضور یکنفر
ترجمان وکیل یا قونسول روسیه

فصل هشتم ... کار قتل و امثال آن گناههای
بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع
و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا قونسول روسیه
خواهد بود بروفق قوانین شرعیه که بایشان در باب اهل ملت
خود داده شده است اگر یکی از تبعه روسیه بدعوی جرمی مسلوم
السابقه با دیگران متهم باشد بهیچوجه او را تعاقب و اذیت
نباید کرد مگر در صورتیکه شراکت او بجرم ثابت و مدلل شود ۸/۱
در اینحالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه بجرمی ۸

متهم نشده حکام نمی‌توانند بتشخیص جرم بپردازند مگر در
صورتیکه گماشته از طرف وکیل یا کونسولهای روسیه اگر در
اماکن صدور جرم از وکیل یا کونسولها کسی نباشد حکام ولایت
(۲) روسیه باشد در آنجا روانه میکنند و استشهادنامه‌ها در باب
اثبات و شغل ذمهٔ متهم رابطهٔ حاکم و مفتی آنمکان از روی
صداقت بمهر و بمهر ایشان رسیده باشد و باین کیفیت
(۱) مجرم را که یک کونسول یا صاحب‌منصبی از دائرهٔ وکالت
بمحکمه حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه استشهادنامه‌ها
سند معتبر و مقبول اوقات خواهد بود مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا
علانیه ثابت نماید و در صورتیکه متهم چنانچه باید ملزم گشته
فتوای صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسول روسیه
تسلیم میسازند و برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است

بمملکت روسیه بفرستند

فصل دهم

دولتین علیتین معاهدتین
اهتمام تمام درباب رعایت و اجرای شرایط این
معاهده خواهند داشت حکام ولایات و دیوان
بیگیان و سایر رؤسای طرفین هم از مؤاخذهٔ شدیده
داشته در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد در حالتیکه
تخلف چنانچه باید محقق شود موجب معزولی ایشان
خواهد بود. خلاصه با وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور
کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
که در ذیل دستخط نوشته‌ایم شروطی را که درین معاهده
مندرج است و از نتایج فصل دوم عهدنامه عمده است
که امروز در ترکمانچای انعقاد یافته است و چندان

اعتبار و قوه خواهد داشت هرگاه لفظاً بلفظ در خود عهدنامه
مرقوم و مصدق گشته است منظم و منتشر شده‌ایم
لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو
نسخه است توسط ما دستخط گذاشته
بمهر ما رسیده و مبادله شد
تحریراً فی قریه ترکمانچای
بتاریخ دهم شهر فورال
سنه ۱۸۲۸ مسیحیه
عبارت از پنجم
شهر شعبان المعظم
سنه ۱۲۴۳
هجری بامضای وزیر ... عالیجاه میرزا ابوالحسن خان رسید

ملاحظه و تصدیق [illegible]

قرارنامه افلاس حیلی که در شهر شوال سنه ۱۲۵۹ منعقد گردیده است

تدبیراتی که بجهت دفع افلاس حیلی و رفع حیله‌جات در تجارت
لازم آمد از قرار فقرات ذیل است

فقره اوّل جمیع مستندات خرید و فروخت و معاملات
و غیره که بعد باید در دیوانخانه معتبر و در دفتر مخصوص
حاکم هر ولایت ممهور بمهر دولت علیه ثبت شود و در دفتر
مذکور کل معاملات از روی تاریخ و نمره ثبت گردد و نمره دفتر
باید بر روی مستندات نوشته شود و اوراق دفتر نمره‌دار نوشته
باشد و حکوک و قلمزده نباشد

فقرهٔ دوّیم مستنداتیکه در دفتر بزرگ معتبر شده‌اند باز
باید جداگانه در دیوانخانه از روی الف باء اسامی معاملین
نوشته شود و نمرهٔ دفتر بزرگ فهرست

فقرهٔ سیّم چنانچه یکی بمقام مطالبهٔ تنخواه تمسک
که در دیوانخانه معتبر شده است برخیزد اگر ثبت دیوانخانه‌اش
قدیمتر است اول وصول خواهد شد و این قرار در امطلب قواعد
غرما در هنگام افلاس جاریت نخواهد بود

فقرهٔ چهارم ثبت مستندات جبری نیست
واجب ولی بخصوصه مستنداتیکه مراتق قاعده در دیوانخانه
صورت اعتبار بهم رسانیده است ترجیح دارد بر مستندات
خارجی اجرا نخواهد بود مگر بعد از اجرای مستندات
که در دیوانخانه معتبر شده است و این نوع مستندات خارجیرا

تا مدت یکسال عنوان بدیوانخانه آورده معتبر نماید

فقرهٔ پنجم ... هر که مال غیرمنقولیرا بخواهد بفروشد
یا بشرط بگذارد باید قباله و بنچاق آنرا بدست مشتری دهد
و چنانچه سر وعده تنخواه آنرا ندهد بیع لازم خواهد بود و باید دیوانخانه
قبل از ثبت و معتبر نمودن چنان شد خرید و فروخت باید مشخص
نماید در قباله و بنچاق آن بدست مشتری داده شده است و
پیش از آن چنان غیرمنقوله بغیر فروخته نشده باشد و نزد
کسی بشرط و گرو نباشد

فقرهٔ ششم ادای وجه تمسک ثابت نخواهد بود مگر آنکه
طلبکار روی کار مهر و خط و مهر خود بر روی تمسک
نوشته باشند در تنخواه کلاً رسید و الّا عندالضرور باید با اسم
شهود و بیان قسم ادای قرض ثابت گردد

فقرهٔ هفتم ... بعد از وفات مدیون ورشکسته طلبکاران
حق مطالبهٔ تنخواه خود را از ورثهٔ مرحوم قبل از انقضای
وعده خواهند داشت مگر ورثه اموال مرحوم را ردّ نمایند

فقرهٔ هشتم ... هر یک از کسبه و تجّار هر دعوی
افلاس نماید باید قسم یاد کند هر از اموالش چیزی پنهان
نکرده است و افلاس خود را هم ثابت کند و همچنین شرکاء
و کارکنان او هم باید قسم یاد نمایند هر از اموال او چیزی
پنهان نکرده اند

فقرهٔ نهم ... از این نوع ورشکستها دست برنمی دارند
تا ضامن تن حاضر نمایند و دیوانیان اموال ورشکسته را
و اموال اولاد و زن او را ضبط خواهند کرد و در صورتیکه ثابت
نشود بعد از ظهور ورشکستی او صاحب این اموال شده اند

و آنچه هر از آنان در هیچ جهه دخلی بورشکسته نداشته
و از ارث بایشان رسیده باشد یا حاصل کاسبی حلال خود باشد
مع جهاز دختران شوهر رفته از ضبط محفوظ خواهد ماند

فقرهٔ دهم چنانچه باعث افلاس از وقایع
اتفاقیه و از غرق ثابته و از غارت دشمنان باشه در صورت بقصور
ضرور بدادن ضامن تن نیست

فقرهٔ یازدهم ... برای مفلس جعلی همان برای
دزد و برای شخص کاذب خواهد بود و اقلاً تخفیف
برای آن در باب مواد استثنائی منحصر باعلیحضرت قدر
قدرت شهریاری خواهد بود مفلس جعلی باید مدت طول
مرافعه اش در حبس باشد و با اهل حق با طلبکارانش هم بناید
مراودت داشته باشد جمیع اموالش ضبط خواهد شد و هر با تجارت

نمیتواند نمود و مباشر شغل نمیتواند شد همین سزا برای
رفقای او و برای اشخاصیکه اموال او را پنهان نموده‌اند
باقی خواهد بود

فقرهٔ دوازدهم شرط نامجات شخص مفلس
بعد از افلاس ثابته اش واقع شده است باطل است
و همچنین شرط نامها و بخششها که بعد از ظهور افلاس نموده باطل است

فقرهٔ سیزدهم تقسیم اموال ورشکسته فیمابین
طلبکاران بعد از چهار ماه خواهد بود و اگر اجناس ورشکسته
از قبیل چیزهائیست که زود ضایع و تلف میشود چهارپا و
آذوقه و مانند اینها باید بلادرنگ نقد نمایند و مال التجاره که بعد از اشتهار
افلاس بدست مفلس میرسند باید در گمرک ضبط نموده
بدیوانخانه فرستاد و همچنین هر نوع مراسلات باسم مفلس

که مشعر بر عدم صدق افلاسش باشد باید بدیوانخانه برسانند

فقرهٔ چهاردهم ... مادامیکه مفلس تمام
قروض خود را ادا ننموده است باز بعد کار حساب خواهند
و طلبکاران برضای خودشان برای طلبهای باقی مهلت
خواهند داد و در آن اثنا هرچه حاصل او شود یا ارث
باو برسد عوض قروض باید داده شود

فقرهٔ پانزدهم ... چنانچه در مقابله دفتر ثبت با
مستندات تقلبی ظاهر شود و دیوانخانه ثبت را تقلب اتیه نموده
باشد دیوانخانه باید از عهدهٔ قروض ورشکسته برآید

فقرهٔ شانزدهم ... آنهائیکه مفلس صحیح محسوب
میشوند از قرار ذیل میباشند اول آنکه نتوانند افلاس خود را
ثابت نماید و بطریق واضح حساب نقد و جنس خود را که

از مردم گرفته است بدهد دویم آنکه به بهانهٔ و انکار
حبس خانه میبرد سیم آنهائیکه افلاس خود را دانسته بعد از ظهور
افلاسش بقصد خوردن مال مردم بخشندگیها نمایند
چهارم آنکه مال غیر منقولیرا در سابق نیز فروخته است
یا بیعشرط گذاشته است مجدداً بفروشد یا بیعشرط بگذارد
پنجم آنکه مال وقف را بفروشد یا بیعشرط بگذارد

فقرهٔ هفدهم ... اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری
برای در بعضی مساجد و اماکن شریفه از قدیم الایام
مثل خانهای علمای نامی و عمارات پادشاهی بست
بوده اند بستها را یعنی بست خانها را موقوف فرموده‌اند
مقرر فرمایند در هیچیک از رعایای این دولت جاوید مدت
مقصرین را مثل دزد و مفلس و سایر آنجاها خود راه

ندهند و هر که خلاف حکم پادشاهی نماید مورد مؤاخذه خواهد شد

فقرهٔ هیجدهم ... چون بجهت پیشرفت امر تجارت
همه جا ملک التجار ضرورت است لهذا اولیای دولت قاهره در همه
جای ایران از تجارت کل یک ملک التجاری معین خواهند
فرمود و دیگر آنکه هروقت کار تجار دولت بهیه روسیه
بدیوانخانه رجوع شود باید قطع و فصل آن در حضور یکنفر صاحب
منصب سفارت یا قونسولگری شود همچنین ضبط اموال مفلس
و مخلفات مقروض متوفی در جائیکه پای خارجی بمیان
آید باید همیشه در حضور یکنفر صاحب منصب روس باشد کارگذاران
روس طلبهای ورشکسته را از بدهکارانش از اهل ولایت
خواهند بعد چنان مطالبه خواهند کرد مثل آنکه مقروض
خود رعایای دولت بهیه روسیه باشد دیگر درباب فقرهٔ

پنجم هر مال غیر منقول ذکر شده بهیئت مجدداً املاک و منقوله در ایران

کسی را که فراء حق دارند اوّل دیوان اعلا دویم مالک

سیم رعیت چنانچه مالک بخواهد قریه خود را بغیر ملک بگذارد

بجهت رفع گفتگو باید قبل از وقت از دیوان اعلا در غیبت

اذن حاصل کند تحریراً فی ۲۷ شهر شوال سنه ۱۲۵۹ در دارالخلافه

سمت تحریر یافت

قراریست که در باب مهاجرت در سنه ۱۲۶۰ ۲۸ شهر جمادی الاخره داده شده است

از برای رفع اغتشاشی که بجهت اهالی سرحدات روس و ایران در هر سنه از مهاجرت حاصل آید وکلای طرفین

حسب الاذن دولتین متبوعه خودشان این قرار داد را منعقد و مهر کرده اند

فصل اوّل رعایای هر دو دولت من بعد بدون اذن معتبر و بلیط دولت خودشان بخاک یکدیگر عبور نخواهند کرد

فصل دوّم هر شخصی از رعایای دولتین بهمین طور بدون بلیط بخاک یکدیگر بگذرد دستگیر و بدست سرحدداران نزدیک تا اگر پای بوزیر مختار یا شارژ دافر یا بقونسول دولت خود تسلیم خواهد شد مع اسلحه و اسبابیکه همراه خود دارد

فصل سیّم هر خواهشی که رعایای دولتین در خصوص مهاجرت نمودن از دولت خودشان خواهند کرد باید بدون مداخلت خارجه باشد

فصل چهارم اگر مهاجرین دولتین در عالم

از همدیگر بلیطی بخواهند بمضایقه از برای بعضی فقرات
خواهند داد که مانع معترض بقاعده و قانون باشد

محل مهر مرحوم حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم دولت علیه ایران — محل مهر غراف مدم وزیر مختار دولت بهیه روسیه

عهدنامهٔ سرحدات خراسان که در سنه ۱۲۹۹ منعقد گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور
بالاستقلال کل ممالک روسیه مصلحت دانستند که
خط سرحد را فیمابین ممالک خودشان واقعه در طرف شرقی

بحر خزر تعیین نمایند و در مقام استحکام الفت و اتحاد که
ممالک مزبوره برآیند لهذا مصمم شده‌اند در این باب
یکعهدنامه منعقد نمایند و تعیین وکلای مختار را از طرفین نمودند
اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران جناب جلالتمآب مؤتمن الملک
میرزا سعید خان وزیر امور خارجه خودشان را و اعلیحضرت امپراطور
بالاستقلال کل ممالک روسیه جناب جلالتمآب ایوان زینوویف
ایلچی مخصوص و وزیر مختار خودشان را نزد اعلیحضرت پادشاه
کل ممالک ایران و وکلای مختار معزی الیهم بعد از تسلیم یکدیگر
و ملاحظهٔ اختیارنامه‌جات طرفین که بر وفق قاعده و درست
یافتند موافقت رأی حاصل نموده فصول ذیل را منعقد ساختند

فصل اول ... سرحد ما بین دولتین علیتین قوی‌شوکتین
ایران و روس در طرف شرق بحر خزر قرار است که در ذیل

معین میشود

از مرداب حسینقلی الی چات مجرای رودخانه اترک سرحد
میباشد از چات خط سرحد بسمت شمال مشرق کشیده میشود و از سر قلل جبال
سنگر داغ و ساقریم و از آنجا بسمت شمال قلل کوههای فاصله
مابین درهٔ چاندر و سنبار میگذرد و از قلل این جبال
بسمت مشرق میرود و مجرای رود سنبار میگذرد و از قلل این
جبال بسمت مشرق میرود و بمجرای رود سنبار میرسد در جائیکه
چشمهٔ آق آقایان برود سنبار میریزد و از آنجا بطرف مشرق ۱۱
خط سرحد رود سنبار میباشد تا خرابهٔ مسجد دینه و از آنجا خط
سرحد راه ای است که بدرون میرود تا قلل کوههای کپه داغ
و از سر کوههای کپه داغ بسمت جنوب مشرق بانتهای
تنگهٔ گرمات رسیده بطرف جنوب کشیده میشود و از روی

کوههای فاصله مابین درهٔ سنبار و سر چشمهٔ رود گرماب
و از آنجا بسمت جنوب مشرق از سر جبال مسنود چوب بسمت
(۲) شمال رباط میباشد و ازین نقطه از سر کوهها قلهٔ کوه [illegible]
میرود و از آنجا از شمال خیرآباد بسمت شمال مشرق بمحل مرسوم
بگوک کنبد (قیال) میرسد و از گوک قیال خط سرحد
میرود بدرهٔ رود فیروزه و در شمال فیروزه دره را قطع میکند و از
خط سرحد بسمت جنوب مشرق میرود تا قلل کوههائیکه از
طرف جنوب درهٔ راه عشق آباد و فیروزه دره را [illegible] قطع
(۱) رفته بمعبر رباط کرماب رسیده سرحد فاصله [illegible] را
میکند بعد از آن خط سرحد تا انتهای این جبال بمشرق میرود
و از آنجا از قلهٔ آق [illegible] شمالی کوه اسلم میگذرد و از قلل این کوهها
بسمت جنوب مشرق کشیده میشود و از طرف شمال [illegible] رکته [illegible] گردیده

میرود بجائیکه کوههای زیرکوه و غزل داغ بهم متصل میشوند
وازین نقطه خط سرحد بسمت جنوب شرق میرود و از قلل
زیرکوه تا دو چشمه بابا درمز و از آنجا بسمت شمال بجلگه در دره
کاورس و لطف آباد واقعست میرود بنهجی که بابا درمز
در شرق خط سرحد میافتد

فصل دویم چون در فصل اول عهدنامه حاضره
نقاط اصلیه ذکر کرده شد که از روی آنها خط سرحد مابین
ممالک دولتین علیتین و شوکتین ایران و روس باید کشیده شود
لهذا از برای بدقت تعیین کردن جزئیات خط سرحد در موقع
خط و نصب نمودن علامات سرحد طرفین علیتین متعاهدتین مأمورین
مخصوص برقرار و معین خواهند نمود و زمانی و جائیکه مأمورین
مزبوره باید در آن وقت در آنجا حاضر شوند برضای طرفین علیتین متعاهدتین معین خواهد شد

فصل سیم چون قلعجات کرماب و قلقلاب واقعه
در دره رودی که آبش باراضی ولایت ماوراء خزر جاری
میشود در شمال خطی میباشد که موافق فصل اول عهدنامه حاضره
سرحد فیمابین ممالک دولتین علیتین متعاهدتین خواهد بود لهذا
اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران متعهد
میشوند که قلعجات مزبوره فوراً در مدت یکسال بعد از مبادله
و تصدیقنامجات عهدنامه تخلیه نمایند و اولیای دولت اعلیحضرت
پادشاه کل ممالک ایران حق خواهند داشت که سکنه کرماب
و قلقلاب را در مدت مزبوره بداخل مملکت ایران برده ساکن نمایند
اولیای دولت اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه متعهد
میشوند که استحکاماتی در آنجا نسازند و خانوار ترکمن در آنمکان سکنی ندهند

فصل چهارم چون سرچشمه رود فیروزه و همچنین

بعضی رودها و چشمه‌های دیگر در اراضی ولایت ماوراء خزر که
متصل بسرحد ایران است مشروب میسازد در خاک دولت
ایران میباشد اولیای دولت علیحضرت پادشاه کل ممالک ایران
متعهد میشوند در غدغن نمایند در ازسرچشمه آن آبها تا جائیکه از خاک
ایران خارج میشود در خاک ایران بهیچوجه من الوجوه آثار جدید
احداث نمایند و زمینهائیرا که اکنون زراعت مینمایند مزروع‌تر نسازند
و بهیچوجه از قدر احتیاج زیاده آب بزراعتگاههای حالیه در خاک دولت
ایران نباید برسد ابداً برگردانند و از برای مواظبت در اجرای
دقایق قرارداد حالیه اولیای دولت علیحضرت پادشاه کل ممالک ایران
متعهد میشوند در مأمورین مطمئن بعده کفایت معین نمایند و مقصر
کنندگان بر این قرارداد را مؤاخذه سخت نمایند

فصل پنجم بجهت ترویج دادن بمراودات تجارتیه فیمابین

اهالی ولایت ماوراء خزر و خراسان دولتین علیتین معاهدتین
متعهد میشوند در باب ساختن راههای عراده برای حمل
و نقل امتعه تجارتیه فیمابین ولایت مزبوره هرقدر زود در ممکن باشد
بالاتفاق قرار بدهند در تحت باصلاح و صرفه طرفین باشد

فصل ششم اولیای دولت علیحضرت پادشاه کل
ممالک ایران متعهد میشوند در غدغن اکید نمایند در حدود
اسلحه و عموم ادوات جنگ در امتداد خط سرحد ولایت
استراباد و خراسان تابع حمل و نقل نمایند و تدابیر موثره بجهت
باز داشتن از عدم رسیدن اسلحه تا آنکه در در خاک دولت
علیه ایران سکنی دارند و کارگذاران سرحدیه ایران کمال
تقویت را خواهند نمود بمأمورین دولت علیحضرت امپراطور
روسیه در مواظبت خواهند نمود از اینکه اسلحه از خاک ایران

نخارج برده نشود و همچنین اولیای دولت علیحضرت امپراطوری
متعهد میشوند که نگذارند از خاک دولت روسیه اسلحه و ادوات
حرب به تراکمه سکنه ایران برسد

فصل هفتم ... برای مواظبت اجرای قرارداد های
عهدنامه حاضره در رفتار تراکمه همسایه با خاک ایران اولیای دولت
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه حق خواهند داشت
که در نقاط سرحدیه خاک ایران مأمورین تعیین نمایند و این مأمورین
نیز واسطه خواهند بود در مراودات فیمابین کارگذاران طرفین راجعه بحفظ
نظم و آسایش در صفحات همسایه با خاک دولتین علیتین متعاهدتین

فصل هشتم عهود و شروطی که در عهدنامجات
و قرارنامجات سابقه بین الدولتین علیتین متعاهدتین برقرار است
عموماً بعد از این هم بقوه کامله خود باقی و برقرار خواهند بود

فصل نهم این عهدنامه که در دو نسخه بیک
مضمون ترتیب یافته است و بدستخط وکلای مختار جانبین
رسیده و بمهر ایشان ممهور شده است از جانب اعلیحضرت
پادشاه کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور بالاستقلال
کل ممالک روسیه مصدق و ممضی و تصدیقنامهای مصدقه
که بدستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود در مدت چهار ماه یا زودتر
اگر ممکن باشد در دار الخلافه طهران مابین
وکلای مختار ایشان مبادله خواهد
شد تحریراً در دار الخلافه طهران
بتاریخ ۲۹ شهر محرم سنه ۱۲۹۹
هجری مطابق
۹ دکابر سنه ۱۸۸۱ مسیحیه

[illegible] وزارت امور خارجه [illegible] ایران [illegible]

[illegible]

عهدنامهٔ که در سنه ۱۳۱۰ در باب معاوضهٔ فیروزه با قلعهٔ عباس آباد و حصار انقادیات

بسمه تعالی

ما ناصر الدین شاه قاجار شاهنشاه کل ممالک ایران اقرار میکنیم باینکه عهدنامهٔ میان ما و اعلیحضرت قوی شوکت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه در وکلای طرفین در طهران بتاریخ ۲۳ شهر ذیقعده ۱۳۱۰ هجری مطابق ۲۷ ماه مای ۱۸۹۳ مسیحی منعقد و قرار نمودند و آن این است که بعینه لفظ بلفظ در ذیل نوشته میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

ملاحظه آنکه اعلیحضرت قوی شوکت ذوالاقتدار کامکار پادشاه

کل ممالک ایران و اعلیحضرت قوی شوکت ذوالاقتدار کامیاب امپراطور اعظم کل ممالک روسیه نهایت میل شدید بمبانی درستی و وداد و استحکام روابط یکجهتی و اتحاد دائم کاملاً فیمابین آن دارند هر یک از طرف خود برای استقرار بعضی فقرات سرحدیه دولتین قویتین روس و ایران از قرار ذیل تعیین وکیل مختار از جانب خود فرمودند اعلیحضرت قوی شوکت ذوالاقتدار پادشاه کل ممالک ایران جناب مستطاب اشرف میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم دولت علیهٔ خود را و اعلیحضرت قوی شوکت ذوالاقتدار امپراطور اعظم کل ممالک روسیه جناب جلالتمآب یوگنی بوتسف ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود را در دربار دولت علیهٔ ایران وکیل و مأمور فرمودند که وکیلین مشار الیهما فقرات و فصول ذیل را برقرار و امضا نمودند.

فصل اوّل اعلیحضرت اقدس شهریار ایران
از جانب خود و ولیعهدان خود همهٔ آبادی فیروزه را واقعه
در سرحد و همهٔ محلّات آنرا واقعه میانهٔ خطّی در سابقاً در ۲۹ محرّم
سنه ۱۲۹۹ مطابق دکابر سنه ۱۸۸۱ کشیده شده و خطّی در از کوه کسانتا
سرکشیده است باعلیحضرت قوی شوکت امپراطور کلّ ممالک روسیه
واگذار مینماید. و این فصل تعیین خطّ سرحد متعلّقه باین قطعه را
مفصّلاً در فصل اوّل قرارنامهٔ مورّخهٔ ۲۹ محرّم سنه ۱۲۹۹ مطابق
دکابر سنه ۱۸۸۱ است منسوخ و از درجهٔ اعتبار ساقط مینماید ولی باقی
فقرات قرارنامهٔ مزبوره همه بقوّهٔ کاملهٔ خود برقرار است

فصل دوّیم ... در عوض محلّات مسطوره در فصل اوّل
بدولت علیّه روسیه واگذار شده اعلیحضرت اقدس امپراطور
کلّ ممالک روسیه از جانب خود و ولیعهدان خود محلّات

ذیل را باعلیحضرت اقدس همایونی پادشاه ایران واگذار مینماید
اوّلاً قطعهٔ زمینی در طرف راست رودخانهٔ ارس روبروی قلعهٔ
سابق عبّاس آباد واقع و بموجب فصل چهارم عهدنامهٔ منعقده
در ترکمانچای مورّخهٔ ۵ شعبان ۱۲۴۳ مطابق دهم فورال سنه ۱۸۲۸
تعلّق بدولت روسیه یافته بود تا یاگی آبادی حصار و همهٔ محلّات
آنرا واقعه در میان خطّ سرحدیهٔ حالیه و خطّی در از مقطع این سرحد
تا نهر حصار شیلکان در کنار راست نهر مزبور ممتد و آبادی
حصار از سمت مشرق در بر میگیرند و پس از مقطع این نهر بطرف
جنوب غربی و بگودال واقعه در بیرون سمت آسیای حصار رفته
بعد از آن این خطّ سرحد رو بطرف جنوب تا مقطع سرحد
حالیه در رودخانهٔ رود بار در زنگه نان لی چای را هم پیمایند ممتد میشود

فصل سیّم چون قطعهٔ زمین واقعه روبروی قلعهٔ

عباس آباد بدولت علیّه ایران واگذار بشود و فقرات مندرجه
در فصل چهارم عهدنامهٔ ترکمانچای در خصوص حدود آنکه
زمین ممنوع و خطّ سرحد دولتین از سر رود بمتابعت مجرای
رود ارس تا یکدار یدی بلوک و از آنجا بر طبق فصل چهارم عهدنامهٔ
مزبوره خواهد بود و مابقی همه شروط عهدنامهٔ ترکمانچای بر
قوّهٔ خود باقی و برقرار میماند

فصل چهارم تعیین با دقّت نقطهٔ سرحد

در محال فیروزه و حصار و نصب علامات سرحدیه بتوسط
مأمورین هر دو طرف اولیای دولتین و نیز تعیین برای
انتقال همچنین برای تحویل دادن و تحویل گرفتن آبادیها
و محلهای آنها تعیین نمودند اجرا خواهد شد و نیز دولتین
معظّمتین مأمورین برای تحویل دادن و تحویل گرفتن عباس آباد

معیّن خواهند کرد در هر صورت واگذاری محلّات ثلاثهٔ مزبوره
در فوق و حق تصرّف در آنها فوراً وقتیکه این عهدنامه در دو نسخه رد
و بدل شده باشد بدون هیچگونه شرط و تعلیق خواهد شد

فصل پنجم خطّ سرحدیه میانهٔ ممالک دولتین

روس و ایران از نقطهٔ معیّنه در فصل اوّل قرارنامهٔ مورّخهٔ ۲۹
محرّم سنهٔ ۱۲۹۹ مطابق ۹ دکابر سنهٔ ۱۸۸۱ رو بطرف مشرق از ایشوار
خواهد شد خطّ سرحدّ از بابا درمز از قلل سر کوه مشهور بریزه کوه
عبور کرده بسمت جنوب نزدیک رود بابا درمز آباد میرود
در قرب خیرآباد و بخیرآباد رسیده میرود بسیار درّه دررو که
گریز هم میگویندش و میگذرد از میان رودخانه دررو گز در شمال
آبادی قلعه میر و بعد از آن مابین قراء کوکلان و کلمان بشور
قلعه خطّ سرحد بسمت شمال رفته و از طرف مغرب و شمال لطف آباد

وجنوب قریهٔ کوران در میزند و بعد بسمت جنوب شرقی بطرف
قلعهٔ شیلگان منحرف میشود بطوریکه قلعهٔ چقور عاقلی طرف
شرق میماند و از سمت شمال و شرق در شیلگان میگردد
و پس از آن خط سرحد از وسط قریتین شیلگان و فهنه گذشته تا نوک تپه
در جنوب میرود و از سمت شرق در قلعهٔ حصار گردیده بدواً
از طرف بین نهر حصار شیلگان و بعد بکنار سمت یسار همان نهر
افتاده بسمت جنوب غربی تا گودال بزرگ رسیده و از آنجا بطرف
جنوب تا رودخانهٔ رودبار مذکور میرود و از رودخانه مذکور
فرسخ بالاتر از قریهٔ قوزقان هم گذشته بجنوب شرقی رو آورده
از تمام قراء اتک جنوب را عبور داده تا تجن در محل برآمدن
کوهها است ممتد میشود و بعد این خط سرحد بطرف شرق
رفته بمجرای تجن رسیده باتفاق این مجرای تجن قدری جنوب

از خرابهٔ قوشید قلعه میگذرد و پس از آن همین مجرای رودخانهٔ تجن تا
ابتدای خاک افغانستان در نزدیکی ذوالفقار سرحد خواهد بود و بعد از تحویل
دادن فیروزه و تحویل گرفتن حصار فوراً بلافاصله برای نصب
علامات سرحدیه در جاهای خود مأمورین از طرف دولتین
قویشوکتین مأمور خواهند شد جهت تعیین واقعی خط سرحد

فصل ششم دولتین قویشوکتین روس و ایران
حق خواهند داشت در ظرف مدت یکسال ابتدا از روزیکه
این عهدنامه مصدق و مبادله شده باشد اهالی محل فیروزه و حصار را
که بیکدیگر واگذار میکنند با املاک و ظروف خود بکجا خواهند دولتین
قویشوکتین معظم الیهما متعهد میشوند در حق اهالیکه بموجب
این عهدنامه بیکدیگر واگذار مینمایند الحکامات نسازند
و نیز ترکمه را در محل فیروزه و حصار سکونت ندهند

فصل هفتم قرارنامه منعقده ما بین مأمورین اولیای دولتین و کنونسیون
در ۱۸۸۶ مطابق سنه ۱۳۰۳ در باب تقسیم رودها و آبها میان سرحدیه طرفین بجای خود
مسلم و برقرار خواهد بود باستثنای قرارهای متعلق بفیروزه و حصار
که بمناسبت این تبدیل تغییر کرده تجدید خواهد شد

فصل هشتم این عهدنامه بتصدیق اعلیحضرت قوی شوکت
پادشاه کل ممالک ایران و اعلیحضرت قوی شوکت امپراطور اعظم کل
ممالک روسیه رسیده در ظرف چهار ماه بلکه زودتر اگر ممکن
شود ابتدا از تاریخ امضای این عهدنامه در طهران مبادله خواهد شد
بجهت استحکام و تأکید این عهدنامه وکلای مزبور آنرا بامضا و مهر
خود ممهور و در دو نسخه مطابق نمودند

صدراعظم دولت ایران امین السلطان میرزا علی اصغر خان بموجب دستخط مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهی خلدالله ملکه این عهدنامه را امضا میکند (علی اصغر)	یوگینی بوتسف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه روسیه (محل مهر)

بدقت تمام ملاحظه نمودیم و حالا صحت آنرا تصدیق مینمائیم
تمام آنچه نوشته شده است و متعهد میکنیم بقول
شاهنشاهی خودمان و ولیعهدان خودمان
در تمام آنچه در این عهدنامه نوشته
شده است مجری و برقرار باشد و ابداً
تخلف نشود و بجهت تأکید و استحکام
آن بامضای سلطنتی خودمان
نوشته و بمهر دولتی
خودمان ممهور نمودیم
بتاریخ شهر ربیع الاول
سنه ۱۳۱۱ مطابق سنه ۱۸۹۳ مسیحی
در قصر سلطنت آباد

صورت عهود مقدسه منعقده با دولت فخیمهٔ انگلیس

توضیح از ابتدای سنهٔ ۱۲۲۵ تا سنهٔ ۱۲۵۷ چند عهدنامه
در بین دولتین ذیشوکتین ایران و انگلیس منعقد گردید چون
مطالب آنها حالا متروک است لهذا از تحریر آنها قلم کشیده
و فقط بتحریر این عهدنامهٔ تجارتی پرداخت اگرچه این عهدنامه هم
بملاحظهٔ فصل نهم عهدنامهٔ صلح ارزنة الروم ثانیه که در موقع
خود ذکر خواهد شد متروک است زیرا که در آنجا امورات تجارت را
راجع بدول کاملة الوداد نموده و مقصودش عهدنامهٔ روس است
ولی باز بعضی جهات بترقیم آن اقدام نمود بعون الله تعالی و توفیقه

عهدنامهٔ تجارتی که در سنهٔ ۱۲۵۷ صورت انعقاد پذیرفت

چون بیمن الطاف خداوندگانه جلت نعمائه و عظمت آلائه از روزیکه
عهد مودت و الفت مابین دو دولت ذوی‌الشوکت ایران و انگلیس
مرتب و ممهد گشته روز بروز سلاطین نامدار و خسروان نصفت
شعار دو دولت ابدآیت واحداً بعد واحد همگی اصول و فصول
آن را مرعی و ملحوظ داشته متعلقان مملکتین را از فواید آن متمتع
و محظوظ فرموده‌اند مگر عهدنامهٔ تجارت را که در دیباچهٔ عهدنامهٔ ۱۲۲۹
اولیای دولتین علیتین وعدهٔ انعقاد آن را کرده بودند تا اکنون
به بعض جهات در عهدهٔ تراخی باقی مانده لهذا از برای تکمیل
جمیع شروط معاهدهٔ میمونه در اقبال فرخنده فال اعلیحضرت

قضا شوکت قدر قدرت فلک رتبت گردون حشمت خسرو اعظم
خدیو جم خدم غوث الاسلام والمسلمین عون الملة والدین شاهنشاه
ممالک فسیح المسالک ایران خلد الله ملکه وسلطانه جناب جلالت
و نبالت همراه عزت و فخامت اکتناه امیر الامراء العظام
زبدة الکبراء الفخام حاجی میرزا ابو الحسن خان وزیر دول خارجه را
بوکالت مطلقه سرافراز فرمودند و اعلیحضرت کیوان رفعت
خورشید رایت شهریار عادل کامکار خسرو باذل نامدار شاهنشاه
ممالک انگلستان و هندوستان ابد الله شوکته و دولته جناب
جلالت و نبالت نصاب مجدت و درایت انتساب عمدة الامراء
المسیحیه زبدة الکبراء العیسویه سرجان ملکم وزیر مختار را بوکالت
کلیه مفتخر فرمودند و وکیلان مشار الیهما عهدنامه تجارت را
در ضمن این دو فصل منعقد و بذیل عهدنامه اصلیه ملحق نمودند

که بعون الله تعالی بین الدولتین همواره منظور نظر و متعلقان
طرفین را فواید آن عاید گردد

فصل اول تجار دولتین علیتین البهیه مأذونند
در هر قدر هرگونه امتعه و اقمشه را بممالک یکدیگر نقل نمایند
و در هر بلدی از بلاد که بخواهند مبایعه و معاوضه کنند و از متاعی
که می‌آورند و می‌برند در حین ورود یکمرتبه بطریقیکه از تجار دولتهای
کامله الوداد فرنگ گمرک مال التجاره گرفته میشود از تجار تبعه ایران
مطالبه خواهد شد و در زمان خروج یکمرتبه بطریقیکه از تجار دولتهای
کامله الوداد فرنگ گمرک مال التجاره گرفته میشود از تجار تبعه طرفین
مطالبه خواهد شد و دیگر بهیچ اسم و رسم از تجار دولتین در مملکتهای
جانبین چیزی مطالبه نخواهد شد و تجار و متعلقان و منتسبان
طرفین در ولایات دولتین بنهج تبعه دولتهای کامله الوداد

ذلک از هر گونه رعایت و حمایت و احترام محظوظند آنها نیز
از همان حمایت و رعایت و احترام بهره یاب خواهند گردید

فصل دویم ... چون برای پرستاری تجار جانبین
لازم است که از هر دو دولت وکیل التجاره با اماکن مشخصه تعیین شود
لهذا قرار داده شد که دو نفر وکیل التجاره از جانب دولت بهیه
انگلیس در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز اقامت داشته باشند
فقط مشروط بر اینکه همانکه در دارالسلطنه تبریز مقیم خواهد شد بالانفراد
بخصایص جنرال قونسولی سرافراز باشد لاغیر و چون سالهاست
بالیوزی از دولت بهیه انگلیس در بندر ابوشهر متوقف است
دولت علیه ایران اذن میدهد که بالیوز مزبور کما فی السابق در آنجا
اقامت نماید و کذلک دو نفر وکیل التجاره از جانب
دولت علیه ایران در دارالخلافه لندن و بندر بمبئی که

سکنی نمایند بهمان مراتب و امتیازات که وکیل التجاره دولت
بهیه انگلیس در مملکت ایران صانها الله تعالی عن الحدثان
خواهد بود این عهدنامه تجارت را ماکه وکلای مختار دولتین
هستیم در دارالخلافه طهران بتاریخ ۱۲ شهر رمضان سنه ۱۲۵۷
هجری مطابق ماه اکتبر سنه ۱۸۴۱ عیسوی
بخط و مهر خود مختوم و مرقوم نمودیم

قرارنامه که در سنه ۱۲۶۷ در باب منع بیع موقتی غلام و کنیز سیاه استقرار یافت

[illegible]

دولت علیه ایران قرار میدهد که کشتیهای جنگی دولت انگلیس

وکپانی تا مدت یازده سال مأذون و مرخص میباشند در جهت
احتمال حمل غلام و کنیز سیاه کشتیهای تجارتی ایران را بتفصیلی که
درین صفحه مرقوم میشود تفحص نمایند سوای کشتیهای دولتی
دولت ایران که کشتی تجارتی و رعیتی نباشد بآن کشتیهای دولتی
مطلقا دخل و تصرف نباید بشود اولیای دولت ایران قرار میدهند
که بهیچوجه غلام و کنیز سیاه در کشتیهای دولت حمل ننمایند

اولاً قرار این است که این اذن و اجازه تفحص در کشتیهای
تجارتی رعیتی داده میشود از ابتدای تفحص تا انتها بدستیاری
و توسط و احضار صاحب منصب ایران بشود که در کشتیهای
دولت انگلیس منزل و مکان دارند

ثانیاً کشتی تجار را زیاده از مقدار زمان تفحص
غلام و کنیز معطل نکنند و اگر غلام و کنیز در یکی از آن کشتیها بدست آید

کارگذاران دولت انگلیس گرفته ببرند بی آنکه خسارت و معطلی
بر آنها وارد شود و سوای بردن غلام و کنیز نباید زحمت و ضرری
بر آنها برسد خود کشتی را بدستیاری و احضار صاحب منصب ایران
که در کشتیهای انگلیس هستند بکارگذاران بنادر ایران که از جانب
این دولت هستند بسپارند و صاحب آن کشتی را که بخلاف
حکم اعلیحضرت پادشاه ایران عمل نموده و غلام و کنیز حمل کرده
کارگذاران این دولت باندازه تنبیه و زجر نمایند و کشتیهای
جنگی دولت انگلیس بی دستیاری صاحب منصب دولت ایران
هیچ نوع دخل و تصرف در کشتیهای تجارتی ایران نکنند لیکن صاحب
منصبان دولت ایران هم نباید در شغل محوله کوتاهی کنند
و این قرارداد است تا موعد یازده سال و بعد از گذشتن یازده
سال و تمام شدن موعد و مدت اگر کردن زیاده از یازده سال

معمول مداخله در کشتیها شود خلاف رویهٔ دولتی ایران و خلاف
رعایت حقوق ایشان شده از جانب آن دولت ترضیه مطالبه
خواهند شد

ثالثاً غلام و کنیز قدیمی ایران که حال در ایران
هستند از حال تحریر و مابعد ما اگر بخواهند از راه دریا بیرون
روند با سفر نسبت دریا نمایند باید بلیط از مباشر بدکه ایران که
در بندر ابوشهر میباشند با انحصار بالیوز بوشهر بگیرند و کسیرا بعد از
بلیط با غلام و کنیز حرفی و ایرادی نخواهد بود و آن بلیط با انحصار بالیوز دولت
انگلیس متوقف بندر ابوشهر مثل سایر قرارهای مسطوره فوق تا مدت یازده
سال است ابتدای شروع با نیوار تفحص و رفتن صاحبمنصبان
ایران از غرهٔ شهر ربیع الاول ۱۲۶۸ است از حال تحریر تا ابتدای
این تاریخ فوق حق تفحص نیست فی شهر شوال ۱۲۶۷

عهدنامهٔ صلح که در سنه ۱۲۷۳ در پاریس منعقد گردید

[illegible]

جانبین با این بیانات بلیغ منضم و
قبول و برقرار و امضا شده ایم از جانب
خود و وارثان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۸۵۷ [illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید آیت اقدس همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه
بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس
هر دو علی السویه از روی صدق مایل این هستند که مصائب
جنگ را که منافی میل و مکنونات دوستانه ایشان است رفع نمایند
و روابط دوستی را که مدت مدیدی فیمابین دولتین علیتین برقرار
بوده مجدداً با یک صلحی که در رونق فواید طرفین باشد بر بنیان
محکم برپا نمایند لهذا برای اجرای این مقصود مطلوب اعلیحضرت
پادشاه ایران جناب جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک
سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل آبی
و دارای کمر مکلل با الماس وغیره وغیره وغیره را و اعلیحضرت
پادشاه انگلیس جناب مجدت نصاب هنری ریچارد و چارلس بارن

كاولى ازامناى دولت انگليس وازاجزاى شورت
مباركه مخصوصه اعليحضرت پادشاه انگليس حامل نشان بزرگ
سلك شريف حمام وسفير كبير مخصوص ومختار دولت انگليس دربار
اعليحضرت امپراطور فرانسه وغيره وغيره وغيره را وكلاى مختار
خود تعيين فرمودند وايشان بعد ازآنكه اختيارنامه‌هاى خود را
ابراز ومبادله نمودند موافق ترتيب رسمى ديدند فصول ذيلرا
مقبول ومقرر داشتند

فصل اول از روز مبادلهٔ امضا نامه‌هاى
عهدنامهٔ حال فيمابين اعليحضرت شاهنشاه ايران و اعليحضرت شاهنشاه
انگليس همچنين فيمابين خلفا و ممالك و رعاياى طرفين دوستى دائمى خواهد بود

فصل دويم چون بدولت و اقبال فيمابين دولتين
ايران و انگليس صلح برقرار گرديده بحكم اين فقره مقرر است كه

عساكر دولت انگليس بنا در مملكت ايران تخليه خواهند كرد موافق
شرايط و تعهدات ذيل

فصل سيم دولتين عليتين معاهدتين تعهد ميكنند
كه كل اسرائى كه در حين جنگ بدست عساكر طرفين افتاده باشند
بلا درنگ آزاد نمايند

فصل چهارم اعليحضرت شاهنشاه ايران تعهد
ميكند در بلا فاصله بعد از مبادله امضا نامهاى اين عهدنامه
يك عفونامهٔ كاملى اعلام نمايد در رابطهٔ آن جميع رعاياى ايران
كه در وقت جنگ بمراودهٔ خود باعساكر انگليس مصدر خيانتى
شده باشند از عقوبت اين حركت خود معاف باشند بطوريكه هيچكس در
هر صورت در دست باشد بجهت اين حركت خود مورد تنبيه و اذيت
و تعدى نخواهد بود

فصل پنجم

اعلیحضرت شاهنشاه ایران تعهد میکنند که بلادرنگ
تدابیر لازمه را بکار برند در عساکر و کارگذاران ایران از
ملک و شهر هرات و سایر ممالک افغانستان پس کشیده تخلیه ممالک مزبوره در مدت سه ماه
بعد از مبادله امضاهای این عهدنامه معمول خواهد بود

فصل ششم

اعلیحضرت شاهنشاه ایران راضی میشود
که ترک بکند کل ادعاهای سلطنتی بر خاک و شهر هرات و ممالک
افغان و هرگز مطالبه نکند از رؤسای هرات و ممالک افغان
هیچ علامت اطاعت مثل سکه و خطبه و باج و نیز اعلیحضرت ایشان
تعهد میکنند که بعد از این از هر مداخله در امورات داخله افغانستان
اجتناب نماید اعلیحضرت ایشان وعده میدهند که استقلال
هرات و تمام افغانستان را اعتراف نمایند و هرگز باستقلال ممالک
مزبوره مداخله نکنند در صورت ظهور منازعه فیمابین دولت ایران

و ممالک هرات و افغانستان دولت ایران تعهد میکند که برای اصلاح
آن رجوع باهتمامات دوستانه دولت انگلیس نماید و اقدام بجنگ نکند
مگر در صورتیکه اهتمامات دوستانه دولت انگلیس منتج ثمری نشود از طرف
دیگر دولت انگلیس تعهد میکند که همه وقت اعتبار خود را در افغانها
بکار برد و نگذارد که از آنها و هیچیک از آنها باعث هیچ
نوع تشویش و پریشانی دولت ایران بشود و اگر دولت ایران
در وقوع مشکلات رجوع بدولت انگلیس نماید دولت انگلیس اهتمامات
کوشش را خواهد نمود که منازعات فیمابین را موافق حق و مطابق
شأن دولت ایران اصلاح نماید

فصل هفتم

در صورتیکه از جانب هرات و ممالک
افغان بر سرحدات ایران تجاوزی بشود هرگاه ترضیه شایسته داده
نشود دولت ایران حق خواهد داشت که بجهت دفع و تنبیه جانب متعدی

اقدام بحرکات جنگ نماید امّا این صراحتاً معلوم و مقبول است که هرگاه
لشگری از جانب دولت ایران بجهت مقصود مزبور از سرحد بگذرد
بمحض اجرای مقصود خود مراجعت بخاک خود خواهد کرد و استعمال
حق مزبور نباید بهانه توقف دائمی عساکر دولت ایران یا الحاق
شهری یا یک جزء ممالک مزبوره بممالک ایران بشود

فصل هشتم دولت ایران تعهد میکند بلافاصله ۴
بعد از مبادله امضا نامهای این عهدنامه جمیع اسرائیکه در حین
جنگ در افغانستان بدست عساکر ایران افتاده باشند بدون
عوض نقدی آزاد نماید و همچنین جمیع افاغنه یا باسم گروی
یا بجهت امور دولتی در هر جای ممالک ایران مقید باشند آنها بطور
آزاد خواهند بود بشرط اینکه افاغنه هم از طرف خود اسرا و مقیدین
ایرانی را هم در دست آنها باشند بدون عوض نقدی آزاد نمایند

دولتین معاهدتین در صورت لزوم مأمورین نصب خواهند کرد
که شرایط این فقره را معمول دارند

فصل نهم ... دولتین علیّتین تعهد میکنند در
باب نصب و اعتراف قونسولهای جنرال و قونسولها و وکلای
قونسول هر یک از این دو دولت در ممالک همدیگر حالت دول
کاملة الوداد را خواهند داشت و نسبت برعایای طرفین و تجارت
ایشان در هر باب بنا بطور رفتار خواهند شد که برعایا و تجار دول
کاملة الوداد میشود

فصل دهم ... بلافاصله بعد از مبادله امضا
نامهای این عهدنامه سفارت انگلیس مراجعت بطهران
خواهد کرد در همان وقت دولت ایران راضی میشود که سفارت مزبوره را
بپذیرائی نماید با شرایط عذرخواهی و تشریفات مندرجه در

علیحده که امروز وکلای دولتین علیتین معاهدین ممضی داشته‌اند

فصل یازدهم دولت ایران تعهد میکند در مدت
سه ماه بعد از مراجعت سفارت انگلیس بطهران یک مأمور را
تعیین نماید که باتفاق یک مأمور دولت انگلیس مطالبات نقدی
جمیع رعایای انگلیس را از دولت ایران تحقیق و تشخیص نمایند
و دولت ایران هر یک از این مطالبات را که بتصدیق مأمورین مزبور
باشد یا دفعةً یا باقساط خواهد داد در یک مدتی که بیشتر از یکسال
از تاریخ اعلام مأمورین نباشد و مأمورین مزبور تحقیق و تشخیص
خواهند کرد قروض دولت ایران از رعایای ایران و رعایای
سایر دول که تا وقت عزیمت سفارت انگلیس از طهران در زیر حمایت
انگلیس بودند و از آن وقت بعد ترک حمایت مزبوره کردند

فصل دوازدهم باستثنای آنچه

در فصل سابق مقرر شده دولت انگلیس این حق را ترک و انکار خواهد
کرد که من بعد حمایت کند بعد از این هیچیک از رعایای ایران را که بالفعل
در نوکری سفارت و قونسولها و وکلای قونسول انگلیس نباشند
بشرط آنکه چنین حقی بدول دیگر داده و معمول نشود و در باب حمایت
و جمیع خصوصیات دیگر دولت انگلیس مطالبه میکند و دولت ایران هم
تعهد مینماید که همان امتیازات و معافات در ممالک ایران بدولت
انگلیس و نوکرها و رعایای آن داده خواهد شد که بدول کاملة الوداد
و نوکرها و رعایای ایشان داده میشود و همچنین دولت انگلیس
و نوکرها و رعایای آن بهره‌یاب خواهند بود از همان احترام و اعتبار
که بدول کاملة الوداد و نوکرها و رعایای آنها داده میشود

فصل سیزدهم دولتین علیتین معاهدین بحکم
این فصل تجدید میکنند آن قرار را هم که در ماه اغوست ۱۸۵۱ مطابق

نهم ژوئل ۱۲۶۷ در باب منع تجارت غلام و کنیز در خلیج فارس
فیمابین ایندو دولت داده شده است و علاوه بر این تعهد میکنند که
قرار مزبور پس از انقضای مدت برقراری آن که عبارت از
اغوست ۱۸۶۲ باشد تا مدت ده سال دیگر برقرار خواهد بود و بعد
این هم امتداد خواهد یافت تا یکی از جانبین یک اعلام رسمی
قرار مزبور را موقوف بدارند اما اعلام مزبور معمول نخواهد بود
مگر یکسال بعد از ظهور آن

فصل چهاردهم بلا فاصله بعد از مبادله ۵
امضانامه‌های این عهدنامه عساکر انگلیس از هر نوع حرکات خصمانه را
نسبت بدولت و مملکت ایران ترک خواهد کرد دولت انگلیس علاوه بر این
تعهد میکند که بمحض اینکه قرار داد تخلیه هرات و ممالک افغانستان
از عساکر ایران و همچنین قرار دادند بپذیرائی سفارت انگلیس بطهران

کاملاً مجری شد عساکر انگلیس خود را از جمیع ولایات و اماکن
و جزایر که تعلق بایران دارد بلا درنگ پس خواهند کشید
دولت انگلیس تعهد میکند که در این اثنا سرکرده عساکر انگلیس
عمداً هیچ حرکتی که موجب ضعف اطاعت رعایای ایران
نسبت باعلیحضرت شاهنشاه ایران باشد نخواهد کرد بلکه تقویت اطاعت
مزبوره نهایت مقصود انگلیس است و علاوه بر این دولت انگلیس
تعهد میکند که بقدر امکان رعایای ایران از زحمت حضور عساکر
6 انگلیس ایمن خواهند بود و همچنین آذوقه که بجهت عساکر مزبوره
لازم شود دولت ایران تعهد میکند که حکامگذاران خود را حکم
نماید که عساکر انگلیس را در تحصیل آذوقه مزبور اعانت کنند و نیز
دولت انگلیس تعهد میکند که در حین اخذ اشیا قیمت آنرا موافق
نرخ روز از جانب مامورین انگلیس بلا درنگ داده خواهد شد

فصل پانزدهم   عهدنامهٔ حال ممضی خواهد شد
وامضانامهای آن مبادله خواهد شد در بغداد و در مدت سه ماه یا
زودتر هرگاه ممکن شود بجهت اثبات مسطورات فوق ایلچیان طرفین
این عهدنامه را ممضی و بمهر خود مختوم ساختند در پاریس در چهارشنبه یوم ٥
هفتم شهر رجب سنه ۱۲۷۳ المطابق ۴ ماه مارس سنه ۱۸۵۷

صحیح تحریر یافت

محل مهر بارون کاولی   محل مهر امین الملک سفیر کبیر دولت ایران

محل دستخط همایون
الواثق بالله الغنی ناصرالدین شاه قاجار
[illegible] ۱۲۷۳

٥/١

محل مهر و امضای صدر اعظم دولت علیه ایران
میرزا آقاخان سنه ۱۲۷۳

قرارنامهٔ غلام و کنیز که مجدداً در شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۹ باسفارت انگلیس داده شده است

٦

چون اعلیحضرت پادشاه ممالک مجتمعهٔ بریتانیای اعظم و ایرلند
و امپراطریس هندوستان و اعلیحضرت قوی شوکت پادشاه
کل ممالک ایران هر دو بالسویه از روی صداقت مایل برای
در متروک و موقوف داشتن معاملهٔ وحشیانه خرید و فروش عبید
میباشند مقرر فرمودند برای حصول این مقصود قرارنامه
منعقد گردد و برای اینمطلب از جانب سنی الجوانب خودشان
وکیل و مختار فرمودند اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران
جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه خود و اعلیحضرت پادشاه

ممالک محمیه بریتانیای اعظم و ایرلند و امپراطور هندوستان

جناب رانلد فرکس طامسن اسکوایر وزیر مختار و ایلچی مخصوص

خود را در دربار دولت ایران و پس از آنکه وکلای مذکور اختیار

نامه‌های خود را ابراز کردند و صحیح و موافق قاعده دیدند فصول

آتیه را قرار داشتند

فصل اول نظر بآنکه کنیز و غلام سیاه بممالک

ایران حمل نشود جهازات دولت انگلیس در گردش میباشند مأذون

خواهند بود کشتیهای تجارتی حامل علم دولت ایران و یا کشتیهای

رعایای دولت ایران را که مشغول باین یا دلیل توجهی در اشتغال

آنها بردن عبید در آنها باشد نگاه داشته تفحص و ملاحظه بنمایند چنانچه

عبیدی در آنها پیدا کنند کشتی مذکور را با تمام همراهان آن نزد

هر کارگذار دولت ایران که نزدیکتر باشد برای تحقیق و رسیدگی

ببرند ولی هر کس از اهل ایران از هر قبیل اشخاص عبید با سیاحت یا حج یا عتبات

با تذکره دولت علیهٔ ایران با مصاحب باسپورت یا قونسولگری دولت

انگلیس رفته باشد در مراجعت متعرض او نخواهند شد مشروط بر آنکه

کنیز و غلامیکه همراه آن شخص است تجاوز از آن عددی ننماید در

تذکره اصلی او مذکور شده است حضور چنین کنیز و یا غلام از

دلیل کافی محسوب خواهد بود در ارتکاب معامله عبید

فصل ثانی چنانچه جهاز گردش کننده دولت

انگلیس کشتی تجارتی حامل علم دولت ایران را بگیرد نزد عمال دولت

ایران را بتحقیق ببرد صاحب منصب همان جهاز گردش کننده انگلیس

در کشتی مذکور را گرفته است و یا صاحب منصب دیگر که از جانب دولت

انگلیس مأموریت دارد در محل تحقیق مزبور حضور خواهد داشت

در صورتیکه فوراً کشتی تجارتی مذکور را بدهند و فروخته نموده حاصل

فروش آن بدولت ایران تعلق خواهد گرفت و هر چه عبیدی در
آن کشتی پیدا شود بتصرف مأمورین دولت انگلیس داده خواهد شد

فصل ثالث اعلیحضرت قوی شوکت پادشاه ایران
وعده میفرمایند که همه رعایای ایران و یا خارجه در تحت حکم
و تسلط دولت علیه ایران که در روی دریا مشغول معامله عبید باشند مجازات
سخت بدهند و تمام عبیدی را که بر خلاف حق یعنی بعد از انعقاد
این عهدنامه از دریا داخل ممالک اعلیحضرت ایشان نمایند آزاد
بفرمایند و از آنها رعایت و حمایت خواهند فرمود

فصل رابع قرارنامه حالیه از اول ماه می سنه ۱۸۸۲
برقرار خواهد شد و پس از برقرار شدن قرارنامه حاضره فصل
سیزدهم عهدنامه فیمابین دولتین ایران و بریتانیای اعظم
منعقده در پاریس مورخه چهارم ماه مارچ سنه ۱۸۵۷ که بتوسط آن قرارداد
منعقده فیمابین دولتین ایران و بریتانیای اعظم بتاریخ آگست ۱۸۵۱
تجدید گردیده باطل و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود باستثنای
هر اقدامی که بر حسب آن بموقع اجرا گذارده شده باشد
و یا بنای اجرای آن برده است

فصل پنجم امضاهای این قرارنامه حالیه
در مدت پنج ماه یا هرگاه ممکن شود زودتر در طهران مبادله
خواهد شد در طهران در روز پنجشنبه ۱۱ شهر
ربیع الثانی سنه ۱۲۹۹ هجری مطابق
۲ ماه مارس سنه ۱۸۸۲
عیسوی در چهار نسخه
نوشته
شد

عهدنامهٔ که در سنه ۱۲۵۷ با دولت بهیه بلجیک منعقد گردیده

بر خردمندان تیزهوش و تیزهوشان سخن‌نیوش پوشیده نماند
که جناب رب‌العباد انتظام امور معاش و معاد عباد را بقبضه
ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهاده تا کافهٔ برایا
در تحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب طریق
مهربانی و وداد سپرند و بر امور تعاند و خلاف جانب نگردند
بنابر این ابتهال اینکه اعلیحضرت کیوان رفعت مشتری سریرت
بهرام سطوت خورشید شوکت ناهید بهجت عطارد فطنت قمر طلعت
مالک ممالک محروسهٔ ایران وارث تاج و تخت سلاطین کیان
ظل الله فی الارض کهف الاسلام و المسلمین محمد شاه قاجار

خلد الله ایام سلطنته الی آخر الدوران و اعلیحضرت رفعت
قضا درایت قدر رتبت پادشاه تمامی بلجیق لئوپلد
ادام الله ایام سلطنته الی آخر الزمان هر دو علیا الشأن چنین
مناسب دیدند در جهت تأسیس قواعد دوستی و محبت و تمهید مراسم
ممادنت و مودت و ترفیه حال رعیت و گشایش ابواب منافع
تجارت برای عامهٔ رعایا و برایا مابین هر دو دولتین علیتین معاهده
دوستی و تجارت منعقد و برقرار شود لهذا دولت علیهٔ ایران عالیجاه مقرب الخاقان
میرزا اصغر خان مهندسباشی عساکر منصوره ایلچی مختار دولت
علیهٔ ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان همایون و نشان اول
شیر و خورشید سرتیپی و صاحب حمایل سبز و سرخ و نشان افتخار دولت
علیهٔ عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون و امضای
جناب جلالت نصاب اجل افخم حاجی میرزا آقاسی در انجمن

وکیل و مختار نموده و اعلیحضرت پادشاه بلجیک از قرار دستخط همایون
و امضانامهٔ جداگانه برون فرانسوا جان وزیر بحر و وزیر مختار
دولت بهیهٔ بلجیکا مقیم اسلامبول صاحب منصب و نشان اعلیحضرت
پادشاه تمامی مملکت بلجیک و صاحب نشان آکرد و عزت دولت
فخیمهٔ فرانسه و صاحب نشان درجهٔ اول دولت علیهٔ عثمانیه را
در این باب مأذون و مختار ساخته لهذا مأمورین مذکورین
بعد از تبدیل اختیارنامهای طرفین قرار معاهده را در ضمن هفت
ماده بنهج آتیه دادند

مادهٔ اولی فیما بعد مابین دولت علیهٔ ایران و دولت
بهیهٔ بلجیکا و تبعهٔ ایشان اساس دوستی مؤبداً پایدار و برقرار

مادهٔ دویم تبعهٔ دولتین علیتین آمناً و سالماً بممالک
یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند و هر کدام بخواهند با کرایه برای

امر تجارت و نشستن خود منزل و حجره و انبار کرایه کنند مأذون
باشند و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق آنها در
دولتین رعایت عزت و حرمت ملحوظ شود و از اجحاف و ستم مصون
و محروس باشند و اگر یکی از دولتین ذیشوکتین با دولت دیگر
جنگ و محاربه داشته باشد اصلاً بدوستی ابدی اینها و دولتین خللی نخواهد رسید

مادهٔ سیم اشخاصیکه از تبعهٔ دولتین بهیتین بعنوان
تجارت یا سیاحت بممالک یکدیگر مرور یا توقف نمایند در حق آنها الا
احترام مرعی شود از عوارض و تعصیب معاف باشند و در وقت دخول
و خروج تجار دولت بلجیکا از تبعهٔ آنها در یکجا یکدفعه از صدی ۵ گمرک
زیاده مطالبه نشود و از تبعهٔ تجار دولت علیهٔ ایران مثل تبعهٔ
دولتین متحابتین فرانسه و انگلیس موافق تعرفه رفتار گردد

مادهٔ چهارم از تبعهٔ دولت بهیهٔ بلجیکا اگر از طرق

سیاحت یا تجارت بممالک دولت علیهٔ ایران تردد نمایند از
امنیت و سلامتی آنها از طرف دولت علیهٔ ایران اطمینان داده و آسوده
عبور و مرحمت شود هر کس مانع و مزاحم آنها شود و حمایت از آنها نمایند

ماده پنجم دولت علیهٔ ایران مأذون نمایند دو نفر
رئیس تجار از دولت بلجیکا در تبریز و دار الخلافه طهران مقیم شوند
در امور تبعهٔ دولت خود وارسی کنند و همچنین اگر دولت علیهٔ
ایران بخواهد در شهرهای بروکسل و آنورس مملکت بلجیکا رئیس
تجار بگذارند مأذون و مرخص خواهند بود

ماده ششم اگر مابین تبعهٔ جانبین از بابت معامله نزاعی
و دعوائی اتفاق افتد باحضار رئیس تجار یا ترجمان آن دولت
موافق شریعت و عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی شود و هرگاه
یکی از تبعهٔ دولتین مفلس و ورشکست شود بعد از تشخیص و تحقیق

اموال و اسباب او را فیمابین ارباب طلب بطوری که غرما و تبعه تقسیم
نمایند و همچنین در وقت وفات یکی از تبعهٔ طرفین اموال متوفی را بحاکم
او رئیس تجار آن دولت تسلیم نمود

ماده هفتم ... انشاءالله این عهدنامهٔ دوستی و تجارت
ابدالدهر با کمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد
شد و هیچ خللی و نقصانی باجزاء آن راه نخواهد یافت این عهدنامه
دوستی و تجارت بسیاق واحد در دو نسخه تحریر و امضا شده و از جانب
مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردید انشاءالله تعالی
نسخهٔ مزبوره از طرف دولتین بهیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه
یا کمتر از آن تصدیقنامهها باسلامبول آمده مابین المأمورین از برای
مبادله گردد بتاریخ یوم چهارشنبه ٢٥ جمادی الاولی مطابق بیلی
اودئیل سنهٔ ١٢٧٣ و مطابق ١٤ جولای سنهٔ ١٨٥٧ عیسوی در دار الخلافهٔ اسلامبول نوشته

شرط نامهٔ دولتین ایران و بلجیک که در ۱۵ شهر ذیحجه ۱۲۵۷ مابین وکلای دولتین منعقد و بعهدنامهٔ مبارکهٔ مذکوره الحاق گردید

نظر باظهار جناب برون بحر و ملاحظه اینکه بموجب تعرفه ثبت در فقرات جزو مادهٔ سیم عهدنامهٔ مبارکه در تعلق بگمرک تبعه دولت علیهٔ ایران در دولت بهیهٔ بلجیکا است نظام گمرک بلجیکی مغشوش و پریشان میشد لهذا مأمورین طرفین محض ملاحظهٔ صلاح دولتین علیتین فقره مزبوره را باین نحو دادند که تبعهٔ دولتین گمرکرا وقت ورود و خروج بمملکت یکدیگر مانند شرط اول عهدنامهٔ تجارتیه دولت بهیهٔ انگلیس که در این اوقات مابین دولت علیهٔ ایران و دولت مشارالیها منعقد شده است کارسازی نمایند این شرطنامه جداگانه انشاءالله بعد از تصدیق و امضای امنای دولتین ذیشوکتین در مدت چهار ماه یا کمتر در اسلامبول مبادله خواهد شد همان قوه و قدرت خواهد داشت که گویا در عهدنامهٔ مبارکه که در ۲۱ جمادی الاولی منعقد گشته است لفظاً بلفظ مندرج شده

فی ۱۵ شهر ذی الحجة الحرام

سنه ۱۲۵۷ قلمی و مهر گردید

ایضاً عهدنامه با دولت بلجیک که در سنه ۱۲۷۳ منعقد گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه افخم سلطان بالاستقلال تمامی ممالک ایران و اعلیحضرت

لئوپلد اوّل پادشاه بلجیک و خسرو باذل نامدار مایل هستند از روی
و اتحاد خود بهمدیگر دلیل تازه بدهند و بشرف تجارت ممالک خود را
بیشتر از سابق محرک شوند لهذا مقرر داشتند در عهدنامهٔ منعقد شود
و برای تقدیم ایلچی اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب
جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ امین الملک سفیر کبیر دولت
علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمر مکلل
بالماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه بلجیک و کنت
شارل ویلن چهاردم وزیر امور خارجه خود را از اجزای مجلس وکلا
و دارای نشان مخصوص و صاحب نشانهای بزرگ تاج آهن و سن
ژانویه و سلک نتردام کنسپسیون ویلاویسوزا و سلک سن موریس
ولازار و صاحب نشان مجیدیه از مرتبهٔ اوّل و نشان بزرگ سلک
امپراطوری عقاب سفید و سلک ستاره قطب شمالی و سن ژرژ ف

و سلک لئوپولد و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین نمودند
و ایشان بعد از آنکه در بروکسل مجتمع شدند و اختیارنامهای خود را
مبادله نمودند موافق ترکیب رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند

فصل اوّل فیمابین دولت علیّه ایران و رعایای
اندولت و دولت بهیّه بلجیک و رعایای آندولت بعد از این
دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

فصل دوّیم نوّاب کبار و مأمورین دیپلماتیک
که هر یک از دولتین علیّتین معاهدتین بخواهند بدربار یکدیگر مأمور
و مقیم سازند همان رفتار و سلوکیکه در حق نوّاب کبار و مأمورین
دیپلماتیک دول کاملة الوداد و اتباع آنها معمول میشود بعینها
همان رفتار نیز در حق نوّاب کبار و مأمورین دیپلماتیک دولتین
معاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات ملحوظ خواهند شد

فصل سیم تبعهٔ دولتین علیتین متعاهدتین از قبیل
سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیرهم هر در مملکتین سیاحت و توقف
نمایند بالسّویه از جانب حکام و ولایات و وکلای طرفین تقویت
و حمایت قادرانه بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که در نسبت
باتباع دول کاملة الوداد منظور شود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد
و بالمعاوضه مأذون و مرخصند هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات
چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر
برند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و بهر بلدی از بلاد مملکتین
که خواهند حمل و نقل نمایند و مأذون خواهند بود در خانه‌ها و دکاکین
و انبارها بجهت مسکن و امور تجارتی خود کرایه نمایند بی آنکه از جانب
کارگذاران دولتین ممانعتی بشود بجهت امنیت رعایای دولت
یکدیگر در جاهائی که بعزم سیاحت یا تجارت در ممالک ایران بر

نمایند لازمه احکام و فرامین و تذکره هر موجب رفع موانع و مایهٔ تقویت
و حمایت باشد بایشان داده خواهد شد ولیکن انمقرریست که تجار
طرفین که اقدام تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین ملکی که
محل تجارت مزبور باشد خواهند بود

فصل چهارم کشتیهای تجارتی طرفین هر گونه
امتعه و اقمشه هر اتباع دولتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند
و یا از مملکت یکدیگر بیرون برند وجه گمرکی که از کشتیهای تجارتی
و اتباع دول کاملة الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان باولایات
دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه شود از ایشان نیز مطالبه خواهد
شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد

فصل پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع
دولت بهیه مرافعه یا مباحثه و منازعه روی دهد و طرح گفتگو

واجرای عدالت آن بالتمام متعهده وکیل یا قونسول دولت بهیه
بلژیک خواهد بود اگر توقف در محل ومکان این مرافعه ومباحثه ومنازعه
بعمل آید والا در مملکتی که اقرب بمکان مزبوره است خواهد بود
وکیل یا قونسول مزبور طرفین گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت
بلجیک خواهد کرد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت
بهیه بلجیک واتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد در محکمه
که وکیل یا قونسول دولت بهیه بلجیک مقیم باشد مقالات مدعیان
بتحقیق وتدقیق واجرای حکم بعدل وانصاف در محکمه دولت علیه
ایران در محل عادیه طرف اینگونه امورات است با حضور احدی از
منتسبان وکیل یا قونسول دولت مزبوره خواهد بود هرگاه مرافعه
یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین اتباع بلجیک وتبعه سایر
دول خارجه واقع شود تحقیق واجرای حکم آن متعهده وکلا یا قونسولهای

طرفین خواهد بود کذلک گفتگو ومنازعاتی که فیمابین تبعه دولت
علیه ایران واتباع دولت بلجیک وتبعه سایر دول خارجه در ممالک
بلجیک اتفاق افتد قرار انجام آن بنحوی خواهد بود که باتباع دول
کاملة الوداد در مملکت مزبوره معمول ومرتب میشود تبعه دولت علیه
ایران در مملکت بلجیک واتباع دولت بلجیک در ممالک ایران اگر
متهم بگناهان کبیره گردند بنحوی که در مملکتین مزبورتین با اتباع دول
کاملة الوداد رفتار نموده ایشان نیز معمول ومرتب وقطع وفصل خواهد شد

فصل ششم در صورت وفات یکی از رعایای دولتین
در ممالک طرفین درباب ترکه میت همان رفتار معمول خواهد بود که نسبت
بترکه رعایای دول کاملة الوداد مجری است

فصل هفتم دولتین متعاهدتین بجهت حمایت اتباع
وتقویت امور تجارت وفراهم نمودن اسباب معاشرت دوستانه

و عادلانه فیمابین تبعهٔ جانبین چنان اختیار نموده‌اند که از طرفین
قنسول برقرار گردد قنسولهای دولت علیهٔ ایران در دار السلطنهٔ
بروکسل و آنورس و لیژ اقامت خواهند داشت و قنسولهای
دولت بلجیک در دار الخلافهٔ طهران و دار السلطنهٔ تبریز و بندر ابوشهر
مقیم خواهند بود این قنسولهای دولتین متعاهدتین بالتسویه در حق تبعه
مسکونهٔ مملکتین از اعزازات و امتیازات و معافاتی که در حق قنسولهای
دول کاملة الوداد در ممالک جانبین ملحوظ است بهره‌یاب خواهند
گردید مأمورین دیپلوماتیک و قنسولهای دولت ایران رعایای
بلجیک را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد مأمورین دیپلوماتیک
و قنسولهای بلجیک رعایای ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت
نخواهند کرد و قنسولهای دولتین متعاهدتین را در ممالک طرفین
مشغول تجارت شوند مطیع خواهند بود همان قوانین و رسوم را

سایر رعایای دولت متبوعهٔ ایشان که مشغول تجارت نبوده باشند
مطیع هستند

فصل هشتم در صورت ظهور جنگ فیمابین یکی از
دولتین متعاهدتین و یک دولت دیگر بهیچوجه خللی نخواهد رسید
دوستی و اتحادیکه باید تا ابد فیمابین دولتین متعاهدتین برقرار بماند

فصل نهم این عهدنامهٔ دوستی و تجارتی در ملاحظهٔ
کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین محروستین ایران
و بلجیک منعقد شده بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله
امضاهای طرفین تا ده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی
و محفوظ خواهد بود اما اگر یکسال پیش از انقضای این موعد مقرره
هیچیک از دولتین نیت خود را در توقیف و اجرای این عهدنامه
رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه حال برقرار خواهد ماند

تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اظهار جانبین اعلام مرقوم
اعلام مزبور بظهور نماید وکلای مختار دولتین متعاهدتین تعهد میکنند
که امضاء نامجات پادشاه ذیجاه خود را در ظرف دوازده ماه یا
زودتر هرگاه میسر شود در طهران یا در بروکسل یا در اسلامبول
مبادله نمایند وکلای مختار دولتین
علیتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه حاضره را
بخط و مهر خود مختوم و مرقوم
نمودند این عهدنامه در دو
نسخه بزبان فارسی و فرانسه
در بروکسل فی ۹ شهر
ذی الحجة الحرام
سنه ۱۲۷۳ هجری تحریر یافت

عهدنامهٔ که در سنهٔ ۱۲۷۱ با دولت بهیه فرانسه منعقد گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت فلک رتبت
گردون حشمت خسرو اعظم خدیو انجم حشم جمشید جاه دارات دستگاه
وارث تاج و تخت کیانی شاهنشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران
و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت شمس فلک تاجداری
مهر افق شهریاری برازندهٔ دیهیم صاحب کلاه شقه طراز لوازم
شاهنشاهی خسرو باذل نامدار ناپلیان امپراطور ممالک فرانسه
هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه دارند در روابط دوستی مابین
دولتین برقرار و بواسطهٔ عهد دوستی و تجارتی که علی السویه نافع و

وبوده‌اند تبعه دولتین قوی بنیان خواهان بوده دوستی و اتحاد مابین را
مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کلّ ممالک
ایران اعتماد الدوله العلیّه صاحب نشان مکلّل امیر تومانی
با حمایل سبز و قرمز و صاحب نشان تمثال همایون از درجه اوّل و حامل
شمشیر مرصّع و عصای مکلّل بالماس و دارنده شرابه الماس و مروارید
و صاحب نشان درجه اوّل امیرنویانی اعظم و حمایل سبز درجه مخصوص
نخست اوّل و صاحب لقب التی جناب اشرف امجد ارفع میرزا آقاخان
صدر اعظم دولت علیّه ایران را و اعلیحضرت امپراطور ممالک فرانسه
مسیو نیکلا پرسپر بوره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیّه فرانسه صاحب
نشان افتخار موسوم بلژیون دنور و حامل سیم بسن گرگوار کبیر و نشان
افتخار مجیدیه وغیره را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از
آنکه در دار الخلافه طهران مجتمع شدند و اختیارنامه خود را مبادله کردند

موافق قاعده و شایسته دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند

فصل اوّل بعد الیوم الی الابد فیمابین دولت
علیّه ایران و رعایای آندولت و دولت بهیّه فرانسه و رعایای
آندولت دوستی صادقانه و اتحاد دائمی برقرار خواهد بود

فصل دوّیم سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک
از دولتین متعاهدتین بخواهند بدربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند همان
رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول
متحابه و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق
سفرای کبار و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان
معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند بود

فصل سیّم تبعه دولتین علیّتین متعاهدتین از
قبیل سیاحان و تجّار و پیشه‌وران وغیرهم در مملکتین محروستین

ساحت یا توقف نمایند مانند تبعه از جانب حکام ولایات و وکلای
طرفین بعزت و حمایت قادرانه بهره‌یاب خواهند گردید و در هر حال
سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور شود در حق ایشان نیز
منظور خواهد شد و بالمعاوضه مأذون و مرخصند هر گونه امتعه و اقمشه
و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از
مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و بهر بلدی از
بلاد مملکتین هر خواهند حمل و نقل نمایند

فصل چهارم هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین
علیتین معاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت همدیگر بیرون
برند وجه گمرکیکه از تجار و اتباع دول کاملة الوداد حین ورود امتعه
و محصولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه میشود
از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم و رسم

از دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد

فصل پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین
اتباع دولت بهیه فرانسه مرافعه یا مباحثه یا منازعه روی دهد طی
گفتگو و اجرای عدالت آن بالتمام بعهده وکیل یا قونسول دولت
بهیه فرانسه است اگر متوقف در محل و مکان این مرافعه و مباحثه و منازعه
بوده باشند و الا در مملکتی هر اقرب مکان مرقوم است خواهد بود وکیل
یا قونسول مزبور طی این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت فرانسه خواهد
کرد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه فرانسه
و اتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد در مقام هرگاه وکیل یا قونسول
دولت بهیه فرانسه مقیم باشد مقالات متداعیین و تحقیق و تدقیق و اجرای
حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران هر قدر عادت جاری هرگونه
امورات است با حضور احدی از منتسبان وکیل یا قونسول دولت

بهیّهٔ فرانسه خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت
ایران فیمابین اتباع دولت بهیّهٔ فرانسه و تبعهٔ سایر دول خارجه واقع
شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهدهٔ وکلا یا قونسولهای طرفین
خواهد بود کذلک گفتگو و منازعاتیکه فیمابین تبعهٔ دولت علیّهٔ ایران
و اتباع دولت بهیّهٔ فرانسه و تبعهٔ سایر دول خارجه در ممالک محروسهٔ
فرانسه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بنحوی خواهد بود که با
اتباع دول کاملة الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میشود
تبعهٔ دولت علیّهٔ ایران در ممالک فرانسه یا اتباع دولت بهیّهٔ فرانسه در
ممالک ایران اگر متهم بگناهان کبیره گردند بنحویکه در مملکتین مزبورتین
با اتباع دول کاملة الوداد رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرتب
و قطع و فصل خواهد شد

فصل ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیّتین

در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه میت را اقوام یا شرکاء
باشد ترکهٔ او بالتمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه شخص
میت را قوم و شریکی نباشد متروکات او امانةً بوکیل یا قونسول
دولت میت تسلیم میشود تا آنرا بر وفق قوانین متداوله در مملکت
خود ضابطه نماید و باید در اینباب معمول دارد

فصل هفتم دولتین علیّتین متعاهدتین جهت حمایت
اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول
معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعهٔ جانبین چنین اقتضا نمودند
که از طرفین سه نفر قونسول برقرار گردد قونسولهای دولت بهیّهٔ
فرانسه در دار الخلافهٔ طهران و بندر ابوشهر و دار السلطنهٔ تبریز تعیین
و قونسولهای دولت علیّهٔ ایران در دار السلطنهٔ پاریس و بندر مارسیل
و جزیرهٔ بوربن توقف نمایند این قونسولها دولتین متعاهدتین بالسویه

در مدت توقف مسکونهٔ مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات و
معافیتیکه قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک محروسه جانبین
ملاحظه بهره‌یاب خواهند گردید

فصل هشتم ... این عهدنامه دوستی و تجارتی حاضره که
بملاحظهٔ کمال صداقت و دوستی و اتحاد فیمابین دولتین ذیشوکتین ایران
و فرانسه منعقد شده است بعون الله تعالی طرفین شروط مندرجه در
آنرا ابدالدهر از روی صدق و راستی رعایت و ملحوظ خواهند داشت
وکلای مختار دولتین معاهدتین متعهد شدند در امضانامجات خودشان
از جانب سنی‌الجوانب شاهنشاه خود در دارالخلافهٔ طهران یا
دارالسلطنهٔ پاریس در ظرف مدت شش ماه یا کمتر اگر مقدور گردد
مبادله نمایند وکلای مختار دولتین علیتین معاهدتین این عهدنامه
مبارکهٔ حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه

مبارکه بتاریخ ۲۸ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۷۱ مطابق ۱۲ ژوئیه سنه ۱۸۵۵
عیسوی در دو نسخه بخط فارسی و فرانسه
مطابق و موافق یکدیگر
مرقوم شد

محل مهر و امضای مرحوم میرزا آقاخان صدراعظم دولت علیه ایران

محل مهر و امضای میسیو بکلا وزیر مختار دولت بهیه فرانسه

عهدنامه که با امریک شمالی در سنه ۱۲۷۳ صورت انعقاد یافت

بسم الله الرحمن الرحیم

پادشاه بالاستقلال اعظم و شهریار بالاستحقاق اکرم مهیب

افسر سریر خلافت و تاجدار زینت بخش اریکهٔ سلطنت و
شهریاری مجلی آثار عدل و انصاف ماحی علائم جور و اعتساف
داور تاج و تخت دارای فر و بخت شکوه بخش دیهیم و نگین
ملاذ الاسلام والمسلمین ملک عدالت گستر خدیو رعیت پرور
افتخار ملوک کیان مالک بالارث کل ممالک ایران موافق این
مبارک سطور هر کس تواند و تعلق داشته باشد معلوم مینمائیم در روز ۱۵
شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۳ در ۳ ابریل فیمابین اعلیحضرت ملوکانهٔ ما و رئیس ممالک مجتمعه
آمریک شمالی موافق اختیارنامه‌هائیکه از طرفین داده شده بود یعنی از
جانب بالجناب مجدت و فخامت نصاب امین الملک فرخ خان
ایلچی کبیر دولت علیهٔ ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل مخصوص
آن و حمایل کمر مکلل بالماس وغیره وغیره وغیره و از جانب رئیس
ممالک مجتمعهٔ آمریک شمالی کارول اسپنس وزیر ممالک مجتمعه

مزبوره مقیم دربار دولت علیه عثمانی عهدنامهٔ دوستی و تجارت قرارداده و منعقد
شده است که مشتمل بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت فلک رتبت گردون
حشمت خسرو اعظم خدیو انجم حشم جمشید جاه داراب دستگاه وارث
تاج و تخت کیان شاهنشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران و رئیس
ممالک مجتمعهٔ آمریک شمالی هر دو علی السویه تمنا و اراده صادقانه
دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطهٔ عهدنامهٔ دوستی و تجارت
که بالسویه نافع و مفید باشد تبعهٔ دولتین و فریقین خواهد بود مودت
و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت
شاهنشاه کل ممالک ایران جناب مجدت و فخامت نصاب امین الملک
فرخ خان ایلچی کبیر دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون

وحمایل مخصوص آن و حمایل کمر مکلل بالماس وغیره وغیره وغیره را
و رئیس ممالک مجتمعه آمریک شمالی کارول اسپنس وزیر ممالک
مجتمعه مزبوره مقیم دربار دولت عثمانی را وکلای مختار خود تعیین کردند
وایشان بعد از آنکه اختیارنامهای خود را مبادله کردند و موافق قاعده
وشایسته دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند

فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران
و رعایای آن دولت و دولت و رعایای ممالک مجتمعهٔ امریک شمالی
دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

فصل دویم ... سفرای کبار و مأمورین دیپلوماتیک
که هر یک از دولتین متعاهدتین بخواهند بدربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند
همان رفتار و سلوکیکه در حق سفرای کبار و مأمورین دیپلوماتیک
دول متحابه و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای

کبار و مأمورین دیپلوماتیک دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان
مجری و معمول و همان امتیازات محفوظ خواهد بود

فصل سیم تبعهٔ دولتین متعاهدتین علیتین از قبیل
سیاحان و تجار و پیشه ور و غیرهم در مملکتین محروستین سیاحت
یا توقف نمایند البته از جانب حکام و الایات و وکلای طرفین
بعزت و حمایت قادرانه بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی
که نسبت باتباع دول کاملة الوداد میشود در حق ایشان هم منظور خواهد شد
و بالمعاوضه مأذون و مرخصند در هرگونه امتعه و اقمشه و محمولات
چه از راه خشکی و چه از راه دریا بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر
ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و بهر بلدی از بلاد مملکتین که
خواهند حمل و نقل نمایند ولیکن این مقررات در تجار طرفین که
اقدام تجارت داخلهٔ مملکتین نمایند در خصوص تجارت مزبوره مطیع

قوانین آن ملک در حق تجارت مزبوره باشد خواهند بود و در صورتیکه
یکی از دولتین متعاهدتین بعد ازین درباب تجارت داخله امتیازات
تازه برعایای سایر دول بدهد همان امتیازات نیز داده خواهد شد
برعایای هریک از این دو دولت که در ممالک دیگری مشغول
تجارت داخله باشند

فصل چهارم هرگونه امتعه و اقمشه که اتباع
دولتین علیتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت
همدیگر بیرون برند وجه گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة الوداد
حین ورود امتعه و محمولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج از
مملکتین مطالبه نمود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده
باسم و رسم دیگر در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد

فصل پنجم در ممالک محروسهٔ ایران هرگاه مرافعه یا مباحثه

فیمابین تبعهٔ دولت علیهٔ ایران و اتباع دولت ممالک مجتمعهٔ امریک
شمالی حادث شود در محلی که وکیل یا قونسول دولت مجتمعهٔ امریک
مقیم باشد مقالات متداعیین و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم عدل
و انصاف در محکمهٔ دولت علیهٔ ایران در محل عادیه که اینگونه امورات است
بحضور احدی از منتسبان وکیل یا قونسول دولت ممالک مجتمعهٔ امریک
خواهد شد در ممالک محروسه اگر فیمابین اتباع دولت ممالک
مجتمعه مرافعه یا منازعه روی دهد فصل گفتگو و اجرای عدالت آن
بالتمام بعهدهٔ وکیل یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک است
اگر قونسول در محل آن مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشند و الا
در مملکتی که اقرب بمحل مزبور است خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور
فصل این گفتگو را بروفق قوانین متداوله در ممالک مجتمعه خواهد کرد
هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در ممالک ایران فیمابین اتباع

دولت ممالک مجتمعه و تبعهٔ سایر دول خارجه واقع شود تحقیق
و اجرای حکم آن بعهدهٔ وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود
کذلک گفتگوها و منازعاتیکه فیمابین تبعهٔ دولت علیهٔ ایران
و اتباع ممالک مجتمعه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بنحوی
خواهد بود که با اتباع دول کاملة الوداد در ممالک مزبوره معمول
و مرتب میشود تبعهٔ دولت علیهٔ ایران در ممالک مجتمعه با اتباع دولت
ممالک امریکای شمالی در ممالک ایران اگر متهم بگناهان کبیره گردند
بنحویکه در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کاملة الوداد رفتار میشود
با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد

فصل ششم

هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین
در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه میت را اقوام یا
شرکاء باشد ترکهٔ او تماما تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه متوفی

میت را اقوام و شرکا نباشد متروکات او امانتا بوکیل یا قونسول
دولت متبوعهٔ میت تسلیم شود تا مشار الیه بر وفق قوانین متداوله
در مملکت خود چنانکه شاید و باید در انجاب معمول دارد

فصل هفتم ...

دولتین علیتین متعاهدتین بجهت حمایت
اتباع خود و تقویت امور تجارت و فراهم آوردن اسباب حصول
معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعهٔ جانبین چنین اختیار نموده‌اند
که حق داشته باشند هر یک مأمور دیپلوماتیک در پایتخت دولتین
مقیم سازند و از طرفین سه نفر قونسول برقرار نمایند قونسولهای
دولت علیهٔ ایران در شهرهای واشنگتون و نیویورک و نوول
ارلئانس توقف خواهند داشت و قونسولهای دولت ممالک مجتمعه
در دار الخلافهٔ طهران و بندر ابوشهر و دار السلطنهٔ تبریز توقف خواهند
نمود این قونسولهای دولتین متعاهدتین بالتسویه در حق تبعهٔ متوقفهٔ مسکونه

مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات و معافیتیکه وکلای
دول کاملة الوداد در ممالک جانبین محظوظند بهره یاب خواهند گردید
مأمور دیپلوماتیک و قونسولهای ممالک مجتمعه آمریک رعایای
دولت علیه ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و از این
اصول در رفتار طرفین مقرر شده اصلاً تجاوز را جایز نخواهند
داشت و نیز مقرر است که قونسولهای مزبور مشغول تجارت
نشوند ایشان نیز مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسومیکه باید
اشخاص رعایای دولت متبوعه ایشان که در همان محل تجارت
میکنند مطیع هستند و همچنین فیمابین دولتین متعاهدتین مقرر است
که عدد نوکرهای مأمور دیپلوماتیک و قونسولهای دولت ممالک
مجتمعه آمریک شمالی بیش از آن نخواهد بود که بموجب عهدنامه برای
مأمورین روس در ممالک ایران معین شده است

فصل هشتم

این عهدنامه دوستی و تجارتی که در ملاحظه
کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین ایران و ممالک
مجتمعه آمریک منعقد شده است از تاریخ مبادله امضانامجات
طرفین تا ده سال برقرار خواهد بود و اگر پیش از انقضای ده سال مذکور
هیچیک از این دو دولت بموجب اعلام رسمی میل خود را در قطع و توقیف
اجرای این عهدنامه بدولت دیگر اظهار ندارد عهدنامه مزبور تا یکسال
دیگر علاوه بر ده سال مذکوره برقرار خواهد بود و همچنین تا دوازده ماه
بعد از نوشتن چنان اعلام هر وقتیکه اعلام مزبور بظهور آید وکلای
مختار دولتین متعاهدتین قرار میدهند که امضانامجات دولت
متبوعه خود را در اسلامبول در مدت شش ماه یا کمتر اگر مقدور گردد
مبادله نمایند و وکلای مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه
حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه مبارکه

در دو نسخه زبان فارسی و انگلیسی بتاریخ ۱۲۷۳ هجریه ۵ شهر
ربیع الثانی مطابق سنه ۱۸۵۶ عیسوی در ۴ ابریل
مرقوم گردید

بنابر علیه ما اعلیحضرت شاهنشاهی بعد از ملاحظهٔ
کافی عهدنامه حربی و تجارتی مسطوره فوق را امضا و تصدیق
داشتیم بنحوی که موافق این سطور معموله قبول و ممضی و تصدیق میفرمائیم
در کل مضامین آن و بقول ملوکانه ما از برای خودمان و اخلافمان
وعده میفرمائیم هر آنچه در معاهده قرار داده شده از جانب ما بلا
تکلف معمول و مجری خواهد شد از برای اعتبار آن ما این تصدیقنامه را
بدستخط خودمان مزین نموده حکم کردیم در مهر
دولت خودمان ممهور شود مرقوم تاریخ
۲۰ ماه جمادی الاولی ۱۲۷۳ سال نهم سلطنت ما نوشته شد در دار الخلافه طهران

عهدنامه با دولت بهیه اطریش منعقده در سنه ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحیم

چون ایزد متعال ما پادشاه بالاستقلال اعظم و شهریار بالاتفاق
اکرم زیب افزای سریر خلافت و تاجدار زینت بخش اریکه سلطنت
و شهریاری محی آثار عدل و انصاف ماحی علایم جور و اعتساف داور
تاج و تخت دارا فروزنده شکوه بخشای دیهیم و نگین ملاذ الاسلام و
المسلمین ملک عدالت گستر خدیو رعیت پرور افتخار ملوک کیان
مالک بالارث کل ممالک ایران موافق این مبارک سطور هر کس بخواند
و تعلق داشته باشد معلوم میفرمائیم هر در ۲۲ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۳
هجری در پاریس فیمابین اعلیحضرت ملوکانه و اعلیحضرت امپراطور اتریش

مراق اختیارنامه‌هائیکه از طرفین داده شده بود نیز از جانب ما
بجناب جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت
علیّهٔ ایران صاحب تصویر همایون با حمایل آبی و دارای کمر مکلّل بالماس
وغیره وغیره و از جانب اعلیحضرت امپراطور اطریش بجناب مسیو بارون
زوزف الکسندر الوبر صاحب نشانهای سلک امپراطوری
لئوپلد و تاج آهنی از رتبهٔ اول نشان مخصوص و سفیر کبیر حق مقیم دربار
اعلیحضرت امپراطور فرانسه عهدنامهٔ دوستی و تجارت قرار داده و منعقد شد
در تمهیدات بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از تحریرات

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه
بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور اطریش و پادشاه
مجارستان و بوهم و لمبار و ونه دیک و دالماچیا و خرواط و اسلاونی

و گالیسی و لودومریا و الیریا و اورشلیم و آرشیدوک اطریش وغیره وغیره
هردو علی السویه آرزوی صادقانه دارند در فیمابین هر دولتین روابط
دوستی برقرار و بانعقاد یک عهدنامهٔ دوستی و تجارتی و سیاحت سفاین
دریائیه نافع و سودمند تبعهٔ هر دولتین متعاهدین باشد مودت جانبین را
مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب
جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ امین الملک سفیر کبیر خود و صاحب
تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمر مکلّل بالماس وغیره وغیره
وغیره را و اعلیحضرت امپراطور اطریش جناب مسیو بارون زوزف الکسندر
الوبر صاحب نشانهای سلک امپراطوری لئوپلد و تاج آهنی از رتبهٔ اول
نشان مخصوص و سفیر کبیر مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه را وکلای مختار خود
تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را نیز ابراز نمودند
خود را مبادله کردند و مطابق و موافق ترکیب رسمی یافتند فصول آتیه

فصل اوّل از تاریخ امروز فیما بین ممالک و رعایای دولت علیهٔ ایران و ممالک و رعایای دولت بهیهٔ اطریشیه دوستی صادق و اتحاد صمیمی برقرار خواهد بود

فصل دوّیم سفرا و ایلچیان و مأمورین دیپلوماتیکه دولتین علیتین متعاهدتین که خواهند در بار یکدیگر مأمور و مقیم سازند در مملکتین نسبت بایشان و اتباع سفارت ایشان همان پذیرائی و رفتار خواهد شد که در حق سفرا و ایلچیان و مأمورین دیپلوماتیک دول کاملة الوداد معمول است و از همان تشریفات و معافات و امتیازات بهره‌یاب خواهند بود

فصل سیّم تبعهٔ دولتین علیتین متعاهدتین بعد از این مأذون خواهند بود که آزادانه در تمام ممالک طرفین سیر نمایند و از جانب دولتین بممالک مجاور بگذرند بی آنکه کارگذاران ولایتی متعرض ایشان شوند بکمال دقت خواهند کرد در اینکه ایشان را از هر نوع

مرارت محفوظ بدارند و همیشه امنیت شخصی ایشان را مراعات نمایند و در حق ایشان بقدر امکان اظهار رعایت کنند و در مدت سفر بهیچ وجه ضرر و تعرض و تعدی بر ایشان وارد نباید و بجهت انجام مقصود تذکرهٔ عبور و فرامین و سایر نامجات بایشان عطا خواهند کرد

فصل چهارم رعایای دولتین علیتین از صنوف تجار و پیشه‌وران و سیاحان که از برای مصالح خود بممالک جانبین روند از حین دخول تا وقت خروج خود نسبت بایشان با همان رعایت پذیرائی و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد منظور است بنابرین تبعهٔ دولتین علیتین متعاهدتین مأذون خواهند بود چه از راه خشکی و چه از راه دریا امتعه بممالک یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر ببرند و در ولایات طرفین حمل و نقل کنند و در تمام وسعت ممالک دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه در ولایات طرفین تجارت نمایند و خانه‌ها

و انبارها و دکاکین جهت امور خود اجاره نمایند و از ایشان به هیچ اسم
و بهانه مالیاتی مطالبه نخواهد شد مگر آنچه از رعایای دول کامله الوداد
مطالبه میشود و نیز مقرر است در اگر دولت علیهٔ ایران برعایای یکدولت
خارجه در ایران حق تحصیل و تملیک اراضی و خانه‌ها و انبارها و سایر
املاک بدهند همان حق نیز برعایای دولت اتریش داده خواهد شد
رعایای دولتین در مملکتین بخواهند تجارت داخله نمایند در باب
این تجارت مطیع قوانین آن مملکت خواهند بود در حق تجارت
مزبوره است صاحبمنصبان و مأمورین یا رعایای دولت علیهٔ ایران
بعنف داخل خانه‌ها و انبارها و دکاکین یک رعیت اتریش نخواهند
و در صورت لزوم باید در هر جائیکه مأمورین دیپلماتیک
یا قونسول اتریش باشد ایشان را پیش از وقت اخبار کنند و هیچ
تجسس خانگی لازم نخواهد بود مگر در حضور نایبانی در مأمور یا قونسول مشار الیهم

تعیین کرده باشد در جائیکه مأمورین یا قونسول اتریش نباشد در اینباب
نسبت به تبعهٔ دولت مشارالیها همان رفتار خواهد شد در نسبت به
رعایای دول کامله الوداد میشود در جائیکه از دول مشار الیهم
مأمورین یا قونسولی نیست

فصل پنجم رعایای اتریش در ممالک ایران امتعه برند
یا از ممالک مزبوره بخارج حمل نمایند در باب حقوق گمرک نسبت
با ایشان همان رفتار خواهد شد در نسبت رعایای دول کامله الوداد
میشود و همچنین رعایای ایران در ممالک دولت اتریش امتعه ببرند
یا از ممالک مزبوره بخارج حمل کنند در باب حقوق گمرک مالیات
نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد در نسبت رعایای دول کامله الوداد میشود

فصل ششم نظر باتحاد صمیمی و مراودات مخصوصه در
فیمابین دولت اتریش و سایر دول اتفاق جرمانیا برقرارست اعلیحضرت

شاهنشاهی و اعلیحضرت امپراطوری قرار میدهند که تبعهٔ ممالک
مزبورهٔ جرمانیا باید در ایران بهره یاب باشند از جمیع حقوق و امتیازاتیکه
بواسطهٔ این عهدنامه بتجارت و تبعهٔ اتریا داده شده است بشرط
اینکه دول مزبورهٔ جرمانیا در مدت سه سال بعد از تاریخ تصدیق
این عهدنامه تعهد میکنند همان حقوق و منافع که در ممالک اتریه
بتجارت و رعایای ایران داده شده خود نیز بتجارت و رعایای ایران بدهند

فصل هفتم ... دولتین علیتین متعهدند بجهت حمایت
تبعه و تجارت جانبین و بجهت تسهیل مراودات حسنه و عادلانهٔ رعایای
طرفین را خود این حق را اختیار میکنند که هر یک از دولتین
سه نفر قونسول تعیین نمایند قونسولهای ایران در وینه و طریاست
و نیز اقامت خواهند داشت و قونسولهای اتریه در دار الخلافه
طهران و دار السلطنهٔ تبریز و دیگر از بنادر خلیج فارس که بعد باید معین

نمود خواهند بود و قونسولهای مملکتین چه شخصاً و چه بجهت اجرای
مأموریت خود و چه بجهت خانهها و مأمورین و خدمهٔ ایشان بهره یاب
خواهند بود از کل احترامات و امتیازات که در حق قونسولهای
هر ملت و مأمورین تجارتی دول کاملة الوداد معمول میشود در حالت
ظهور اغتشاش ولایتی باید بموجب استدعای قونسولها بجهت حفظ
و حراست خانهٔ قونسولگری لازمهٔ مستحفظ را با ایشان بدهند مأمورین
دیپلوماتیک و قونسولهای اتریه نباید نه در آشکار و نه در خفیه
هیچیک از تبعهٔ ایران را که در خدمت سفارت امپراطوری یا قونسولهای
جنرال یا قونسول و وکلای قونسول اتریه نباشند حمایت نمایند
اما اگر دولت ایران بیک دولت خارجه چنین حقی بدهد همان
حق نیز بدولت اتریه داده خواهد شد در این خصوص شد یا بخصوصیات
دولت اتریه بهره یاب خواهد بود از همان امتیازاتیکه بدول کاملة الوداد



داده شود و استمرار یابد اگر مأموری از مأمورین قونسولگری دولت اتریش

در ایران مشغول تجارت شود در باب تجارت خود همان قوانین و رسومی

که در حق رعایای دولت متبوعه او جاریست مطیع خواهد بود

فصل هشتم ... دولتین علیتین جمیع تعهدات و سایر

قراردادهای تبعه جانبین را در باب امور تجارتی با کمال صدق

و درستی محفوظ و معتبر خواهند داشت جهت مزید مواظبت امنیت تبعه

اتریش در ایران تمسکات و ضمانت نامجات و بروات و جمیع

قرارنامجات که فیمابین رعایای دولتین علیتین متعهدین در باب امور تجارتی

منعقد و ابرام شود باید در دیوانخانه و در صورت عدم آن در نزد

کارگذاران ولایتی که محل رجوع این نوع کارها باشند و کذالک

در جائیکه قونسول اتریش باشد در نزد او نیز ممضی شود که در ظهور

منازعه بتوانند لازمه تجسس را بکنند و منازعات بروزه را بروجه اعدالت